

آیه الله العظمیٰ مکارم شیرازی

# اعتقادما

شرح فشرده ای از عقاید شیعه امامیه



تاریخ و سیرت  
امام علی

جلد اول

۱۰۲

۱۰۳

۱۰۴

تاریخ و سیرت

۱۰۲

۱۰۳

۱۰۴

۱۰۵



انتشارات

نسل جوان

شابک : ۹۶۴-۶۲۷۵-۱۴-۱ ISBN 964-6275-14-1

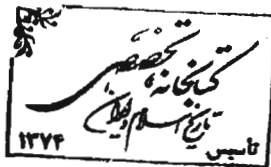
مرکز پخش:

قم - خیابان شهدا - مطبوعاتی هدف - تلفن: ۷۷۴۳۱۱۸

آیه الله العظمی مکارم شیرازی

# اعتقاد ما

شرح فشرده ای از عقاید شیعه امامیه



با همکاری جمعی از دانشمندان

## سوال‌ها و جواب‌ها

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

اعتقاد ما : شرح فشرده‌ای از عقاید شیعه امامیه / مکارم شیرازی؛ با همکاری جمعی از دانشمندان . قم: نسل جوان، ۱۳۷۵.

۱۲۷ ص.

ISBN-964-6275-14-1

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا .

کتابنامه به صورت زیرنویس .

۱. شیعه امامیه -- عقاید . الف. عنوان . ب . عنوان: شرح فشرده‌ای از عقاید شیعه امامیه.

۲۹۷/۴۱۷۲

BP ۲۱۱/۵/م ۷ الف ۶

م ۷۵-۱۰۱۶۲/۷۷

کتابخانه ملی ایران

### شناسنامه کتاب

نام کتاب : اعتقاد ما (شرح فشرده‌ای از عقاید شیعه امامیه)

نویسنده : حضرت آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی

ناشر : انتشارات نسل جوان

مرکز پخش : قم، خیابان شهدا، مطبوعاتی هدف - تلفن : ۷۷۴۳۱۱۸

شمارگان : پنج هزار نسخه

نوبت چاپ : پنجم

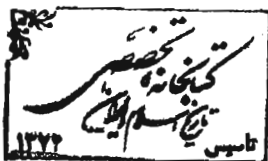
تاریخ انتشار : ۱۳۸۳ ش

صفحه و قطع : ۱۲۸ صفحه - رقعی

چاپ و صحافی : خاتم (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی قم)

شابک : ۱ - ۱۴ - ۶۲۷۵ - ۹۶۴ - ۱۴ - 1 - ISBN 964-6275-14-1

قیمت ۶۰۰ تومان



## فهرست

موضوع	صفحه
هدف از تألیف این کتاب و رسالت آن	۹
بخش اول: خداشناسی و توحید	۱۳
۱- وجود قادر متعال	۱۳
۲- صفات جمال و جلال او	۱۴
۳- ذات پاکش نامتناهی است	۱۵
۴- او جسم نیست و هرگز دیده نمی شود	۱۷
۵- توحید، روح تمام تعلیمات اسلام است	۱۹
۶- شاخه های توحید	۲۰
الف- توحید ذات	۲۰
ب- توحید صفات	۲۰
ج- توحید افعال	۲۰
د- توحید عبادت	۲۲
۷- معجزات پیامبران به اذن خداست	۲۳
۸- فرشتگان خدا	۲۴
۹- عبادت مخصوص خداست	۲۵
۱۰- کنه ذات پاک او بر همه مخفی است	۲۶

۱۱- نه تعطیل نه تشبیه ..... ۲۸

\*\*\*

بخش دوم: نبوت پیامبران الهی ..... ۲۹

۱۲- فلسفه بعثت پیامبران الهی ..... ۲۹

۱۳- همزیستی با پیروان ادیان آسمانی ..... ۳۱

۱۴- معصوم بودن انبیا در تمام عمر ..... ۳۲

۱۵- آنها بندگان فرمانبردار خدا هستند ..... ۳۳

۱۶- معجزات و علم غیب ..... ۳۴

۱۷- مقام شفاعت پیامبران ..... ۳۵

۱۸- مسأله توسل ..... ۳۶

۱۹- اصول دعوت انبیا یکی است ..... ۳۸

۲۰- اخبار انبیای پیشین ..... ۳۸

۲۱- پیامبران و اصلاح تمام شؤون زندگی ..... ۳۹

۲۲- نفی امتیازات قومی و نژادی ..... ۴۰

۲۳- اسلام و سرشت انسانی ..... ۴۱

\*\*\*

بخش سوم: قرآن و کتب آسمانی ..... ۴۳

۲۴- فلسفه نزول کتابهای آسمانی ..... ۴۳

۲۵- قرآن برترین معجزه پیامبر اسلام (ص) ..... ۴۴

۲۶- عدم تحریف قرآن ..... ۴۵

۲۷- قرآن و نیازهای مادی و معنوی انسانها ..... ۴۸

۲۸- تلاوت، تدبّر و عمل ..... ۴۹

- ۲۹- بحثهای انحرافی ..... ۵۰
- ۳۰- ضوابط تفسیر قرآن ..... ۵۱
- ۳۱- خطرات تفسیر به رأی ..... ۵۳
- ۳۲- سنت برخاسته از «کتاب الله» است ..... ۵۴
- ۳۳- سنت امامان اهل بیت (علیهم السلام) ..... ۵۶

\*\*\*

- بخش چهارم: قیامت و زندگی پس از مرگ ..... ۵۹
- ۳۴- بدون معاد زندگی نامفهوم است ..... ۵۹
- ۳۵- دلایل معاد روشن است ..... ۶۰
- ۳۶- معاد جسمانی ..... ۶۲
- ۳۷- عالم عجیب پس از مرگ ..... ۶۴
- ۳۸- معاد و پرونده اعمال ..... ۶۵
- ۳۹- شهود و گواهان در قیامت ..... ۶۶
- ۴۰- صراط و میزان اعمال ..... ۶۷
- ۴۱- شفاعت در قیامت ..... ۶۹
- ۴۲- عالم برزخ ..... ۷۰
- ۴۳- پادشاهای معنوی و مادی ..... ۷۲

\*\*\*

- بخش پنجم: مسأله امامت ..... ۷۵
- ۴۴- همیشه امامی وجود دارد ..... ۷۵
- ۴۵- حقیقت امامت ..... ۷۶
- ۴۶- امام از خطا و گناه معصوم است ..... ۷۸



- ۴۷- امام پاسدار شریعت است ..... ۷۸
- ۴۸- امام آگاهترین مردم به اسلام است ..... ۷۸
- ۴۹- امام باید منصوب باشد ..... ۷۹
- ۵۰- امامان به وسیله پیامبر (ص) تعیین شده اند ..... ۷۹
- ۵۱- نصب علی (ع) از سوی پیامبر (ص) ..... ۸۱
- ۵۲- تعیین هر امام به وسیله امام قبل است ..... ۸۳
- ۵۳- علی (ع) افضل صحابه بود ..... ۸۴
- ۵۴- صحابه در برابر داوری عقل و تاریخ ..... ۸۵
- ۵۵- علوم ائمه اهل بیت (علیهم السلام) از پیامبر (ص) است ..... ۸۸

\*\*\*

- بخش ششم: مسائل گوناگون ..... ۹۱
- ۵۶- مسأله حسن و قبح عقلی ..... ۹۱
- ۵۷- عدل الهی ..... ۹۲
- ۵۸- آزادی انسان ..... ۹۳
- ۵۹- یکی از منابع فقه دلیل عقل است ..... ۹۳
- ۶۰- باز هم عدل الهی ..... ۹۵
- ۹۶- نفی تکلیف مالا یطاق ..... ۹۶
- ۶۱- فلسفه حوادث دردناک ..... ۹۶
- ۶۲- عالم هستی نظام احسن است ..... ۹۷
- ۶۳- منابع چهارگانه فقه ..... ۹۸
- ۶۴- باب اجتهاد دائماً مفتوح است ..... ۹۹
- ۶۵- خلأ قانونی وجود ندارد ..... ۱۰۰

- ۶۶- تقیّه و فلسفه آن ..... ۱۰۱
- ۶۷- در کجا تقیّه حرام است ..... ۱۰۴
- ۶۸- عبادات اسلامی ..... ۱۰۴
- ۶۹- جمع میان نمازها ..... ۱۰۵
- ۷۰- سجده بر خاک ..... ۱۰۶
- ۷۱- زیارت قبور پیامبران و امامان ..... ۱۰۷
- ۷۲- مراسم سوگواری و فلسفه آن ..... ۱۰۸
- ۷۳- ازدواج موقت ..... ۱۱۲
- ۷۴- تاریخچه تشیع ..... ۱۱۵
- ۷۵- جغرافیای مذهب شیعه ..... ۱۱۷
- ۷۶- میراث اهل بیت (علیهم السلام) ..... ۱۱۹
- ۷۷- دو کتاب بزرگ ..... ۱۲۰
- ۷۸- نقش شیعه در علوم اسلامی ..... ۱۲۳
- ۷۹- صدق و راستی و امانت از ارکان مهم اسلام ..... ۱۲۴
- ۸۰- آخرین سخن ..... ۱۲۵

\*\*\*

فضلا و دانشمندانی که برای تکمیل این اثر همکاری داشته اند،  
حجج اسلام آقایان:

- ۱- محمد رضا آشتیانی
- ۲- محمد جعفر امامی
- ۳- عبد الرسول حسنی
- ۴- سید شمس الدین روحانی
- ۵- محمد اسدی
- ۶- محمد محمدی
- ۷- حسین طوسی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## هدف از تألیف این کتاب و رسالت آن

۱- ما در عصر خود شاهد تحوّل عظیمی هستیم، تحوّل‌گی که از یکی از بزرگترین ادیان آسمانی یعنی «اسلام» سرچشمه می‌گیرد.

اسلام در عصر ما تولّد نوینی یافته، مسلمین جهان بیدار شده و به اصل خویش باز می‌گردند، و حلّ مشکلات خود را که در جای دیگر نیافته‌اند، در تعلیمات اسلام و اصول و فروع آن جستجو می‌کنند.

دلیل این تحوّل چیست؟ موضوع بحث جداگانه‌ای است، مهم این است که بدانیم آثار این تحوّل عظیم در همه کشورهای اسلامی، و حتی در بیرون جهان اسلام آشکار شده است، و به همین دلیل بسیاری از مردم دنیا می‌خواهند بدانند که اسلام چه می‌گوید؟ و چه پیام تازه‌ای برای مردم جهان دارد؟

در چنین شرایط حسّاسی و وظیفه‌مآست که اسلام را آن چنان که هست بدون هر گونه پیرایه و با تعبیراتی روشن و قابل درک برای عموم شرح دهیم و عطش مردمی را که می‌خواهند نسبت به اسلام و مذاهب اسلامی آگاهی بیشتری پیدا کنند با بیان حقیقت فرو نشانیم و اجازه ندهیم که دیگران به جای ما سخن بگویند و به جای ما تصمیم بگیرند.

۲- قابل انکار نیست که در اسلام مانند سایر ادیان، مذاهب مختلفی

وجود دارد که هر یک دارای ویژگی‌هایی در مسائل عقیدتی یا عملی می‌باشند، ولی این تفاوتها هرگز در آن حد نیست که مانع از همکاری نزدیک میان پیروان این آیین گردد. بلکه آنها می‌توانند در سایه همکاری و همگامی موجودیت خود را در برابر طوفان‌هایی که از شرق و غرب می‌وزد حفظ کنند و به مخالفان مشترك اجازه ندهند نقشه‌های خود را عملی سازند.

به یقین ایجاد این تفاهم و تحکیم و تعمیق آن، نیاز به رعایت اصول و ضوابطی دارد که از همه مهمتر این است که فرق اسلامی یکدیگر را به خوبی بشناسند و ویژگی‌های هر یک برای دیگری روشن گردد، چرا که تنها با شناخت یکدیگر می‌توانند جلو سوء تفاهمها را بگیرند و راه همکاری را هموار سازند.

بهترین راه برای شناخت یکدیگر این است که عقاید هر مذهبی را در فروع و اصول اسلام، از دانشمندان معروف و شناخته شده آن مذهب بگیرند چون اگر به سراغ ناآگاهان برویم، یا احیاناً عقاید پیروان یک مذهب را از دشمنانشان بشنویم. حبّ و بغضها راه وصول به مقصد را می‌بندد و تفاهم مبدل به دلسردی و جدایی می‌شود.

۳- با توجه به دو نکته بالا بر این شدیم که عقاید اسلامی را در اصول و فروع به ضمیمه ویژگی‌های مذهب شیعه، در این کتابچه مختصر گردآوری کنیم و نوشتاری تهیه شود که دارای خصوصیات زیر باشد:

۱- فشرده و عصاره همه مطالب لازم در آن منعکس باشد و زحمت مطالعه کتابهای متعدد را از دوش خوانندگان جستجوگر بردارد.

۲- بحثها روشن و خالی از هر گونه ابهام باشد و حتی از به کارگیری

اصطلاحاتی که تنها به درد محیطهای علمی و حوزوی می خورد پرهیز شود، در عین حال این کار چیزی از تعمیق بحثها نکاهد.

۳- با این که هدف ذکر عقاید است نه بیان دلایل آن، ولی در موارد حسّاس تا آن جا که طبیعت چنین نوشتار فشرده ای اجازه می دهد، بحثها آمیخته با دلایلی از کتاب و سنت و دلیل عقل باشد.

۴- از هر گونه پرده پوشی و مجامله و پیشداوری خالی باشد، تا بتواند واقعیتها را آن چنان که هست، منعکس نماید.

۵- موازین ادب و عفت قلم نسبت به همه مذاهب در تمام بحثها مراعات گردد.

کتابچه موجود با رعایت نکات بالا در سفر بیت الله الحرام که روح و جان صفای بهتر و بیشتری دارد تهیه شد، سپس در جلسات متعددی با حضور جمعی از دانشمندان مورد بحث و بررسی دقیق قرار گرفت و تکمیل شد. امیدواریم با این کار موفق به رسیدن به اهدافی که در بالا اشاره کردیم شده باشیم و ذخیره ای برای یوم المعاد گردد. در این جا دست به درگاه قادر متعال برداشته عرضه می داریم:

«رَبَّنَا اِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْاِيْمَانِ اَنْ اٰمَنُوْا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَكْفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ»<sup>(۱)</sup>

محرم الحرام ۱۴۱۷

قم - مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع)

ناصر مکارم شیرازی



## بخش اول

### خداشناسی و توحید

#### ۱- وجود قادر متعال

ما معتقدیم: که خداوند متعال پدیدآورنده تمام جهان هستی است، و آثار عظمت و علم و قدرت او در جبین تمامی موجودات جهان، آشکار و هویداست، در درون وجود ما، در عالم جانداران و گیاهان، در ستارگان آسمان، و عوالم بالا و در همه جا نمایان است.

ما معتقدیم: هر چه در اسرار موجودات این جهان بیشتر اندیشه کنیم به عظمت ذات پاک او و وسعت علم و قدرتش آگاهتر می شویم و با پیشرفت علم و دانش بشری هر روز درهای تازه ای از علم و حکمت او به روی ما گشوده می شود، و ابعاد اندیشه ما را گسترش بیشتری می دهد و این تفکر سرچشمه عشق روزافزون ما نسبت به او خواهد شد و هر لحظه ما را به آن ذات مقدس نزدیک و نزدیکتر می سازد و در نور جلال و جمال او فرو می برد.

قرآن مجید می گوید:

«وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٍ لِلْمُوقِنِينَ \* وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ؟»

زمین آیاتی برای جویندگان یقین است و در وجود خود شما (نیز آیاتی است)



آیا نمی بینید؟»<sup>(۱)</sup>

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ  
لِّأُولِي الْأَبْصَابِ \* الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ  
وَيَذْكُرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا؛ مَسَلَمًا  
در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و رفت شب و روز، نشانه های (روشنی)  
برای خردمندان است - همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آن گاه که  
بر پهلو خوابیده اند یاد می کنند، و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین  
می اندیشند (و می گویند:) بارالها! هرگز اینها را بیهوده نیافریده ای!».<sup>(۲)</sup>



## ۲- صفات جمال و جلال او

ما معتقدیم: ذات پاک خداوند از هر عیب و نقص پاک و منزّه است و  
آراسته به تمام کمالات می باشد بلکه او کمال مطلق، و مطلق کمال  
است و به تعبیر دیگر هر کمال و زیبایی در این جهان است از ذات پاک او  
سرچشمه گرفته.

«هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ  
الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ \* هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ  
الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ او خدایی است که معبودی جز او نیست، حاکم و  
مالک اصلی اوست، از هر عیب پاک و منزّه است، به کسی ستم

۱-سوره ذاریات، آیات ۲۰ و ۲۱.

۲-سوره آل عمران، آیات ۱۹۰ و ۱۹۱.

نمی‌کند، امنیت بخش است، مراقب همه چیز است، قدرتمندی شکست‌ناپذیر است که با اراده نافذ خود هر امری را اصلاح می‌کند، او شایسته عظمت است، و منزّه است از آنچه همتای او قرار می‌دهند. او خداوندی است خالق، آفریننده ای بی سابقه، و صورتگری (بی نظیر)، برای او نامهای نیک (و هر گونه صفات کمال) است، آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می‌گویند و او عزیز و حکیم است.<sup>(۱)</sup>

و این بخشی از صفات جمال و جلال اوست.

\*\*\*

### ۳- ذات پاکش نامتناهی است

ما معتقدیم: او وجودی است بی‌نهایت از هر نظر: از نظر علم و قدرت، حیات ابدیت و ازلیت و به همین دلیل در زمان و مکان نمی‌گنجد، چرا که زمان و مکان هر چه باشد محدود است، ولی در عین حال همه جا و در هر زمان حضور دارد چرا که فوق زمان و مکان است.

«وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ؛ او کسی است که در آسمان معبود است و در زمین معبود، و او حکیم و علیم است.»<sup>(۲)</sup>

«وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ او با شماست هر جا که باشید و خداوند نسبت به آنچه انجام می‌دهید بیناست.»<sup>(۳)</sup>

آری او به ما از ما نزدیکتر است، او در درون جان ماست و او در

۱-سوره حشر، آیات ۲۳ و ۲۴.

۲-سوره زخرف، آیه ۸۴.

۳-سوره حدید، آیه ۴.

همه جاست، و در عین حال مکانی ندارد: «وَأَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ؛ و ما به او از رگ قلبش نزدیکتریم!»<sup>(۱)</sup>

«هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ اوست آغاز و پایان، و پیدا و پنهان و او به هر چیز داناست.»<sup>(۲)</sup>

بنابراین اگر در آیاتی از قرآن می خوانیم: «ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ؛ او صاحب عرش و دارای مجد و عظمت است.»<sup>(۳)</sup> (عرش در این جا به معنای تخت بلند شاهانه نیست) و نیز اگر در آیه دیگر می خوانیم: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى؛ خداوند رحمان بر عرش قرار دارد.»<sup>(۴)</sup> هرگز به این معنی نیست که او مکان خاصی دارد، بلکه حاکمیت او را بر تمام عالم ماده و جهان ماوراء طبیعت ثابت می کند. چرا که اگر برای او مکان خاصی قائل شویم او را محدود کرده ایم و صفات مخلوقات را برای او ثابت نموده، و او را مانند سایر اشیاء دانسته ایم، در حالی که «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ؛ هیچ چیز همانند او نیست.»<sup>(۵)</sup>

«وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ؛ برای او هیچ گونه شبیه و مانندی وجود ندارد.»<sup>(۶)</sup>



۱-سوره ق، آیه ۱۶.

۲-سوره حدید، آیه ۳.

۳-سوره بروج، آیه ۱۵.

۴-از بعضی از آیات قرآن استفاده می شود که کرسی خداوند تمام آسمان و زمین را فرا گیرد بنابراین عرش او بر تمام عالم ماده است. «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» (سوره بقره، آیه ۲۵۵).

۵-سوره شوری، آیه ۱۱.

۶-سوره توحید، آیه ۴.

## ۴- او جسم نیست و هرگز دیده نمی شود

ما معتقدیم: خداوند هرگز با چشم دیده نمی شود، چرا که رؤیت با چشم به معنی جسم بودن و مکان و محل و رنگ و شکل و جهت داشتن است، و اینها همه صفات مخلوقات است، و خداوند برتر از آن است که صفات مخلوقات داشته باشد.

بنابراین اعتقاد به رؤیت خداوند یک نوع آلودگی به شرک است: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ؛ چشمها او را نمی بینند ولی او همه چشمها را می بیند و او بخشنده و آگاه است.»<sup>(۱)</sup>

به همین دلیل هنگامی که بهانه جویان بنی اسرائیل از موسی (ع) تقاضای رؤیت خدا کردند و گفتند: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً؛ هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا خدا را آشکارا ببینیم!»<sup>(۲)</sup> موسی آنها را به کوه طور برد و تقاضای آنها را تکرار نمود، و از سوی خداوند چنین پاسخ شنید: «لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ؛ هرگز مرا نخواهی دید ولی به کوه نگاه کن اگر در جای خود ثابت ماند مرا خواهی دید و چون پروردگارش بر کوه جلوه کرد، آن را همسان خاک نمود، و موسی مدهوش بر زمین افتاد، هنگامی که به هوش آمد عرض کرد: خداوندا! منزه می از این که با چشم دیده شوی، من به سوی تو باز می گردم و من نخستین مؤمنانم.»<sup>(۳)</sup>

۱-سوره انعام، آیه ۱۰۳.

۲-سوره بقره، آیه ۵۵.

۳-سوره اعراف، آیه ۱۴۳.

و با این جریان ثابت شد که خداوند هرگز قابل رؤیت نیست .  
 ما معتقدیم : اگر در بعضی از آیات یا روایات اسلامی سخن از  
 رؤیت پروردگار به میان آمده منظور رؤیت با چشم دل و شهود باطن  
 است ، چرا که همیشه آیات قرآن یکدیگر را تفسیر می کنند (الْقُرْآنُ يُفَسِّرُ  
 بَعْضُهُ بَعْضًا).<sup>(۱)</sup>

اضافه بر این علی (ع) در پاسخ کسی که از حضرتش پرسید : «یا  
 امیرالمؤمنین هل رأیت ربک؟ ای امیرمؤمنان! آیا هرگز خدای خود را  
 دیده ای؟» فرمود : «أَعْبُدُ مَا لَا أَرَى؛ آیا کسی را که ندیده ام پرستش کنم؟»  
 سپس افزود : «لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ بِمُشَاهَدَةِ الْعَيَانِ، وَلَكِنْ تُدْرِكُهُ  
 الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ؛ چشمها هرگز او را آشکارا نمی بیند اما دلها با  
 نیروی ایمان وی را درک می کنند». <sup>(۲)</sup>

ما معتقدیم : صفات مخلوقات را برای خدا قائل شدن از جمله  
 اعتقاد به مکان و جهت و جسمیت و مشاهده و رؤیت ، سبب دور افتادن  
 از معرفت خداوند و آلوده شدن به شرک است ، آری او برتر از همه  
 ممکنات و صفات آنهاست و چیزی همانند او نمی باشد .



۱- این جمله معروف است و از ابن عباس نقل شده است ، ولی این معنی در نهج البلاغه  
 از امیرمؤمنان علی (ع) به شکل دیگری آمده است : «أَنَّ الْكِتَابَ يَصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا...»  
 (نهج البلاغه ، خطبه ۱۸) و در جای دیگر می فرماید : «وَيَنْطَلِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَيَشْهَدُ بَعْضُهُ  
 عَلَى بَعْضٍ» (خطبه ۱۰۳) .

۲- نهج البلاغه ، خطبه ۱۷۹ .

## ۵- توحید، روح تمام تعلیمات اسلام است

ما معتقدیم: از مهمترین مسائل درباره معرفه الله، معرفت مسأله توحید، و یگانگی ذات پاك اوست، در واقع توحید تنها یکی از اصول دین نیست، بلکه روح و خمیرمایه تمام عقاید اسلامی است، و با صراحت می توان گفت: اصول و فروع اسلام در توحید شکل می گیرد، همه جا سخن از توحید و یگانگی است، وحدت ذات پاك و توحید صفات و افعال خدا و در تفسیری دیگر وحدت دعوت انبیاء، وحدت دین و آیین الهی، وحدت قبله و کتاب آسمانی ما، وحدت احکام و قوانین الهی درباره تمام افراد بشر، و بالاخره وحدت صفوف مسلمین، و نیز وحدت یوم المعاد.

به همین دلیل قرآن مجید هر گونه انحراف از توحید الهی و گرایش به شرك را، گناهی نابخشودنی می شمرد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونِ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا؛ خداوند (هرگز) شرك را نمی بخشد، و پایین تر از آن را برای هر کس بخواد (و شایسته بداند) می بخشد، و آن کس که برای خدا همتایی قرار دهد گناه بزرگی مرتکب شده است».<sup>(۱)</sup>

«وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ به تو و همه پیامبران پیشین وحی شده که اگر مشرک شوی تمام اعمال تباه می گردد، و از زیانکاران خواهی بود».<sup>(۲)</sup>

۱-سوره نساء، آیه ۴۸.

۲-سوره زمر، آیه ۶۵.

## ۶- شاخه های توحید

ما معتقدیم: توحید شاخه های زیادی دارد که از همه مهمتر شاخه های چهارگانه زیر است:

### الف: توحید ذات

یعنی ذات پاك او یگانه است و هیچ شبیه و نظیر ومانندی ندارد.

### ب: توحید صفات

یعنی صفات علم و قدرت و ازلیت و ابدیت و ... همه در ذات او جمع است و عین ذات یگانه اوست. نه مانند مخلوقات که صفات آنها از یکدیگر جدا، و از ذات آنها نیز جداست، البته عینیت ذات خداوند با صفات او نیاز به دقت و ظرافت فکری دارد.

### ج: توحید افعال

یعنی هر فعل و حرکت و هر اثری که در جهان هستی است همه از اراده و مشیت خدا سرچشمه می گیرد: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكَلِيمٌ؛ خداوند آفریننده همه چیز، و حافظ و ناظر بر همه اشیاست».<sup>(۱)</sup>

«لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست (و در دست قدرت او می باشد)».<sup>(۲)</sup>

۱-سوره زمر، آیه ۶۲.

۲-سوره شوری، آیه ۱۲.

آری «لَا مُؤَثَّرَ فِي الْوُجُودِ إِلَّا اللَّهُ؛ هیچ مؤثری در جهان هستی، جز ذات پاک خداوند وجود ندارد».

ولی این سخن به آن معنی نیست که ما در اعمال خود مجبوریم، بلکه به عکس ما در اراده و تصمیم گیریهای خود آزاد هستیم «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ ما او (انسان) را هدایت کردیم (و راه را به او نشان دادیم) خواه شاکر باشد (و بپذیرد) یا کفران کند (و سر باز زند)».<sup>(۱)</sup>

«وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ و برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست».<sup>(۲)</sup>

این آیات قرآنی با صراحت نشان می دهد که انسان دارای آزادی اراده است، ولی چون آزادی اراده و قدرت بر انجام کارها را خداوند به ما داده است، اعمال ما مستند به اوست بی آنکه از مسؤولیت ما در برابر کارهایمان بکاهد. دقت کنید.

آری او اراده کرده است که ما اعمال خود را با آزادی انجام دهیم تا از این طریق ما را آزمایش کند و در طریق تکامل پیش ببرد، چرا که تنها با آزادی اراده و پیمودن راه اطاعت خدا با اختیار، تکامل انسانها صورت می گیرد، زیرا اعمال جبری و خارج از اختیار نه دلیل خوبی کسی است و نه نشانه بدی او!

اصولاً اگر ما در اعمالمان مجبور بودیم، نه بعثت انبیاء و نازل شدن کتب آسمانی مفهوم داشت، و نه تکالیف دینی و تعلیم و تربیت، همچنین پاداش و کیفر الهی نیز نامفهوم و خالی از محتوا می شد.

۱-سوره انسان، آیه ۳.

۲-سوره نجم، آیه ۳۹.



این همان چیزی است که ما از مکتب ائمه اهل بیت - علیهم السلام - نیز آموخته ایم که به ما فرموده اند: نه جبر مطلق صحیح است و نه تفویض و واگذاری مطلق، بلکه چیزی در میان این دو است: «لا جبر و لا تفویض و لکن امر بین امرین»<sup>(۱)</sup>.

### د: توحید عبادت

یعنی؛ عبادت مخصوص خداست و هیچ معبودی جز ذات پاک او وجود ندارد، این شاخه توحید از مهمترین شاخه های آن محسوب می شود، و پیامبران الهی بیشتر روی آن تکیه کرده اند: «وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ ... وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ؛ به آنها (پیامبران) جز این دستوری داده نشد که تنها خدا را پرستند، و دین خود را برای او خالص کنند و از شرك به توحید باز گردند ... و این است آیین پایدار الهی»<sup>(۲)</sup>.

برای پیمودن مراحل تکامل اخلاق و عرفان، توحید از این هم عمیقتر می شود و به جایی می رسد که انسان باید تنها به خدا دل ببندد، در همه جا او را بطلبد و جز به او نیندیشد و چیزی او را از خدا به خود مشغول نسازد: «كُلَّمَا سَفَعْنَاكَ عَنِ اللَّهِ فَهُوَ صَنَعُكَ؛ هر چیز تو را به خود مشغول سازد و از خدا دور کند، بت توست».

ما معتقدیم: شاخه های توحید منحصر به این چهار شاخه نیست، بلکه توحید مالکیت (یعنی همه چیز از آن خداست) «لِلَّهِ مَا فِي

۱- اصول کافی، جلد اول، صفحه ۱۶۰ (باب الجبر و القدر و الامرین الامرین).

۲- سوره بینه، آیه ۵.

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»<sup>(۱)</sup> و توحید حاکمیت یعنی قانون تنها قانون خداست «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»<sup>(۲)</sup> همه از شاخه های توحید است.



۷- ما معتقدیم: که اصل توحید افعالی این حقیقت را تأکید می کند که خارق عادات عظیم و معجزاتی که از پیامبران الهی صادر می شده همه به «اذن الله» بوده است، چنانکه قرآن مجید درباره حضرت مسیح (ع) می گوید: «وَتَبَرَّئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي؛ کور مادرزاد و مبتلا به بیماری (غیر قابل علاج) پستی را به اذن من شفا می دادی! و مردگان را به فرمان من زنده می کردی!»<sup>(۳)</sup>

و درباره یکی از وزرای سلیمان می فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي؛ کسی که دانشی از کتاب آسمانی نزد او بود گفت: پیش از آن که چشم بر هم زنی، من آن را (تخت ملکه سبا را) نزد تو خواهم آورد و هنگامی که (سلیمان) آن را نزد خود ثابت و مستقر دید، گفت: این از فضل (و اراده) پروردگار من است.»<sup>(۴)</sup>

بنابراین نسبت دادن شفای بیماران غیر قابل علاج و زنده کردن

۱-سوره بقره، آیه ۲۸۴.

۲-سوره مائده، آیه ۴۴.

۳-سوره مائده، آیه ۱۱۰.

۴-سوره نمل، آیه ۴۰.

مردگان به حضرت مسیح(ع)، به اذن و فرمان خدا، که صریحاً در قرآن آمده، عین توحید است.



## ۸ - فرشتگان خدا

ما به وجود فرشتگان الهی معتقدیم که هر کدام مأموریت خاصی دارند، بعضی مأمور ابلاغ وحی به انبیا<sup>(۱)</sup> بوده‌اند.

و گروهی مأمور حفظ اعمال انسانها. <sup>(۲)</sup>

و گروهی مأمور قبض ارواح. <sup>(۳)</sup>

و گروهی مأمور کمک به مؤمنان با استقامت. <sup>(۴)</sup>

و گروهی امدادگران نسبت به مؤمنان در جنگها هستند. <sup>(۵)</sup>

و گروهی مأمور مجازات اقوام سرکشند<sup>(۶)</sup> و مأموریت‌های مهم دیگری در نظام جهان آفرینش دارند.

بی شک چون همه این مأموریتها به اذن و فرمان خدا و به حول و قوه الهی است هیچ منافاتی با اصل توحید افعالی و توحید ربوبیت ندارد، بلکه تأکیدی بر آن است.

ضمناً از این جا روشن می شود که مسأله شفاعت پیامبران و

۱-سوره بقره، آیه ۹۷.

۲-سوره انفطار، آیه ۱۰.

۳-سوره اعراف، آیه ۳۷.

۴-سوره فصلت، آیه ۳۰.

۵-سوره احزاب، آیه ۹.

۶-سوره هود، آیه ۷۷.

معصومان و فرشتگان چون به اذن خداست، عین توحید است «ها مِنْ شَفِيعِ الْاَمِنْ بَعْدِ اَذْنِه؛ هیچ شفاعت کننده‌ای جز با اذن او نیست».<sup>(۱)</sup>

شرح بیشتر درباره این مسأله و مسأله توسّل را در مبحث نبوت انبیا خواهیم داشت.



### ۹- عبادت مخصوص اوست

ما معتقدیم: عبادت مخصوص ذات پاك خداست (همان گونه که در بحث توحید عبادت اشاره شد) بنابراین هر کس غیر او را پرستش کند «مشرك» است، دعوت همه انبیا نیز روی این مسأله متمرکز بوده است «اعْبُدُوا اللَّهَ مَالِكُمْ مِنْ اِلِهٍ غَيْرُهُ؛ خدا را پرستش کنید که معبودی جز او ندارد».

این سخنی است که در قرآن مجید بارها از پیامبران نقل شده است.<sup>(۲)</sup> جالب است که ما مسلمانان همیشه در نمازهای خود هنگام تلاوت سوره حمد این شعار مهمّ اسلامی را تکرار می کنیم: «اَيَاكَ نَعْبُدُ وَايَاكَ نَسْتَعِينُ؛ تنها تو را پرستش می کنیم و تنها از تو یاری می جویم».

روشن است اعتقاد به شفاعت انبیا و فرشتگان به اذن و فرمان خدا که در آیات قرآن آمده است به معنی عبادت نیست.

همچنین توسّل به پیامبران به این معنی که از آنها خواسته شود که از ساحت مقدّس پروردگار حلّ مشکلی را برای توسّل جوینده بخواهند،

۱-سوره یونس، آیه ۳.

۲-سوره اعراف، آیات ۵۹، ۶۵، ۷۳، ۸۵ و ...

نه پرستش و عبادت محسوب می شود، و نه منافات با توحید افعالی یا توحید عبادت دارد، و شرح این مسأله در مباحث نبوت خواهد آمد.



### ۱۰- کنه ذات پاک او بر همه مخفی است

ما معتقدیم: با این که آثار وجود خداوند همه عالم هستی را پر کرده، حقیقت ذات خدا بر هیچ کس روشن نیست، و هیچ کس نمی تواند به کنه ذاتش پی برد، چرا که ذات او از هر نظری نهایت است و ما از هر نظر محدود و متناهی هستیم و به همین دلیل احاطه ما به او غیر ممکن است: «أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ؛ آگاه باشید او به هر چیزی احاطه دارد.»<sup>(۱)</sup>

«وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُّحِيطٌ؛ و خداوند به همه آنها احاطه دارد.»<sup>(۲)</sup>

به عقل نازی حکیم تا کی      به فکرت این ره نمی شود طی!  
 به کنه ذاتش خرد برد پی      اگر رسد خسّ به قعر دریا!  
 در حدیث معروف نبوی (ص) می خوانیم که آن حضرت نیز می فرمود: «مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ وَ مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ؛ ما تو را آن گونه که شایسته ذات توست عبادت نکردیم، و آن گونه که حق معرفت تو است تو را نشناختیم!»<sup>(۳)</sup> ولی اشتباه نشود این سخن به آن معنی نیست که چون از «علم تفصیلی» نسبت به ذات پاکش محرومیم، از علم و

۱-سوره فصلت، آیه ۵۴.

۲-سوره بروج، آیه ۲۰.

۳-بحار الانوار، جلد ۶۸، صفحه ۲۳.

معرفت اجمالی نیز دست برداریم و تنها در باب معرفه الله به ذکر الفاظی که هیچ مفهومی برای ما ندارد قناعت کنیم، این همان تعطیل معرفه الله است که ما آن را قبول نداریم و به آن معتقد نیستیم، چرا که قرآن و سایر کتب آسمانی، همه برای معرفه الله و شناخت خداوند نازل شده است. مثالهای زیادی برای این موضوع می توان ارائه داد، مثلاً ما حقیقت روح را نمی دانیم چیست؟ ولی بی شک ما نسبت به آن معرفت اجمالی داریم، می دانیم روح وجود دارد و آثار آن را مشاهده می کنیم.

در حدیث جالبی از امام محمد بن علی الباقر (ع) می خوانیم که فرمود: «كُلُّمَا مَيِّزْتُمُوهُ بِأَوْهَامِكُمْ فِي ادْقِّ مَعَانِيهِ مَخْلُوقٍ مَصْنُوعٍ مِثْلُكُمْ مَرْدُودٍ إِلَيْكُمْ؛ هر چیزی را که با فکر و وهم خود در دقیقترین معانیش تصور کنید، مخلوق و ساخته شماست و مانند خود شماست، و به شما باز می گردد (و خداوند از آن برتر و بالاتر است)».<sup>(۱)</sup>

در حدیث دیگری از امیرمؤمنان علی (ع) راه دقیق و باریک معرفه الله با تعبیر زیبا و روشنی بیان شده است، می فرماید: «لَمْ يُطْلِعِ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْعُقُولَ عَلَى تَحْدِيدِ صِفَتِهِ، وَلَمْ يَخْجُبْهَا أَمْوَاجَ مَعْرِفَتِهِ؛ خداوند سبحان عقلها را از حدود (و کنه) صفاتش آگاه نساخته و (در عین حال) آنها را از معرفت و شناخت لازم محجوب و محروم ننموده است».<sup>(۲)</sup>



۱- بحار الانوار، جلد ۶۶، صفحه ۲۹۳.

۲- غرر الحکم.

### ۱۱- نه تعطیل نه تشبیه

ما معتقدیم: همان گونه که «تعطیل» شناخت خداوند و معرفت صفات او نادرست است، افتادن در وادی «تشبیه» نیز غلط و شرك آلود است، یعنی نمی توانیم بگوییم آن ذات پاک اصلاً شناخته نمی شود، و ما راهی به معرفت او نداریم، همان گونه که نمی توان او را «شبیه» مخلوقات دانست که یکی راه «افراط» است و دیگری «تفریط» - دقت کنید.



## نبوت پیامبران الهی

### ۱۲- فلسفه بعثت پیامبران

ما معتقدیم: خداوند برای هدایت نوع بشر و رساندن انسانها به کمال مطلوب و سعادت جاویدان، پیامبران و رسولانی فرستاده است، چه این که اگر نمی فرستاد هدف آفرینش بشر حاصل نمی شد، و انسانها در گرداب گمراهی غوطه ور می شدند و نقض غرض لازم می آمد: «رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا؛ پیامبرانی (را فرستاد) که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند، تا حاجتی برای مردم بر خدا باقی نماند (و راه سعادت را به همه نشان دهند و بر همه اتمام حجت شود) و خداوند توانا و حکیم است.»<sup>(۱)</sup>

ما معتقدیم: از میان آنها پنج نفر «اولوا العزم» یعنی «صاحب شریعت و کتاب آسمانی و آیین جدید» بودند که نخستین آنها «نوح» (ع) سپس «ابراهیم» و «موسی» و «عیسی» (ع) و آخرین آنها «حضرت محمد» (ص) است.

«وَأَذِّنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى



وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا؛ به خاطر بیاور هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم و (همچنین) از تو و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم، و ما از همه آنها پیمان محکمی گرفتیم (که در ادای رسالت و نشر کتاب آسمانی کوشا باشند).<sup>(۱)</sup>

«فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ؛ صبر و استقامت کن آن گونه که پیامبران اولوالعزم صبر و استقامت کردند.»<sup>(۲)</sup>

ما معتقدیم: پیامبر اسلام (ص) خاتم انبیاء و آخرین رسولان الهی است و شریعت او برای همه مردم دنیاست و تا پایان جهان باقی است، یعنی جامعیت معارف و احکام و تعلیمات اسلام چنان است که به تمام نیازمندیهای انسان در جهات معنوی و مادی تا پایان جهان، پاسخ مثبت می دهد، و هر کس ادعای نبوت و رسالت تازه ای کند باطل و بی اساس است.

«مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛ محمد (ص) پدر (خواننده) هیچ یک از مردان شما نیست، ولی رسول خدا و ختم کننده سلسله پیامبران است، خداوند به همه چیز آگاه است (و آنچه لازم بوده در اختیار او نهاده).»<sup>(۳)</sup>

\*\*\*

۱-سوره احزاب، آیه ۷.

۲-سوره احقاف، آیه ۳۵.

۳-سوره احزاب، آیه ۴۰.

## ۱۳- همزیستی با پیروان ادیان آسمانی

با این که ما اسلام را تنها آیین رسمی خداوند در این زمان می دانیم ولی معتقدیم باید با پیروان مذاهب آسمانی دیگر «همزیستی مسالمت آمیز» داشته باشیم، خواه در کشورهای اسلامی زندگی کنند خواه در بیرون آن، مگر کسانی از آنها که در مقام مبارزه با اسلام و مسلمین برآیند: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که به خاطر دین با شما پیکار نکردند و شما را از خانه و وطنتان بیرون نراندند، نهی نمی کند، زیرا خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.»<sup>(۱)</sup>

ما معتقدیم: با بحثهای منطقی می توان حقیقت اسلام و تعلیمات آن را برای سایر مردان جهان، تبیین و آشکار کرد، و جاذبه اسلام را به قدری قوی می دانیم که اگر به خوبی تبیین گردد، گروههای زیادی را به خود متوجه خواهد ساخت، به خصوص در دنیای امروز که گوش شنوا برای شنیدن پیام اسلام، بسیار است.

به همین دلیل ما معتقدیم: نباید اسلام را از طریق جبر و فشار به دیگران تحمیل کرد: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛ در قبول دین اکراهی نیست زیرا راه درست از نادرست آشکار شده است.»<sup>(۲)</sup>

ما معتقدیم: عمل کردن مسلمین به دستورهایی جامع اسلام

۱-سوره ممتحنه، آیه ۸.

۲-سوره بقره، آیه ۲۵۶.

می تواند عامل دیگری برای معرفی اسلام باشد پس حاجتی به اجبار و تحمیل نیست.



### ۱۴- معصوم بودن انبیا در تمام عمر

ما معتقدیم: همه پیامبران الهی معصومند، یعنی در تمام عمر (چه پیش از نبوت و چه بعد از نبوت) از «خطا و اشتباه» و «گناه» به تأیید الهی مصون و محفوظ می باشند، زیرا اگر مرتکب خطا یا گناهی شوند اعتماد لازم برای مقام نبوت از آنها سلب می شود، و مردم نمی توانند آنان را واسطه مطمئنی میان خود و خدا بشناسند، و آنان را در تمام اعمال زندگی پیشوا و مقتدای خویش قرار دهند.

به همین دلیل معتقدیم: اگر در برخی ظواهر آیات قرآن گناهی به بعضی از پیامبران الهی نسبت داده شده، از قبیل «ترك اولی» است (یعنی در میان دو کار خوب، آن را که خوبی کمتری داشته انتخاب کرده اند در حالی که سزاوار بوده خوبتر را برگزینند) یا به تعبیر دیگر از قبیل «حَسَنَاتُ الْأَبْرَارِ سَيِّئَاتُ الْمُقْرَبِينَ»؛ کارهای خوب نیکان (گاهی) گناه مقربان محسوب می شود.<sup>(۱)</sup> چرا که از هر کس به اندازه مقام او انتظار می رود.



۱- مرحوم مجلسی در بحارالانوار، این جمله را از بعضی معصومین نقل کرده بی آن که نام ببرد (بحار، جلد ۲۵، صفحه ۲۰۵).

## ۱۵- آنها بندگان فرمانبردار خدا هستند

ما معتقدیم: بزرگترین افتخار پیامبران و رسولان الهی این بوده که بنده مطیع و فرمانبردار خدا باشند، به همین دلیل همه روز در نمازهایمان این جمله را درباره پیامبر اسلام (ص) تکرار می‌کنیم: «وَأَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ؛ گواهی می‌دهم که محمد (ص) بنده خدا و رسول اوست».

ما عقیده داریم: هیچ یک از پیامبران الهی ادعای الوهیت نکردند، و مردم را به پرستش خویش فرانخواندند: «مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد، سپس او به مردم بگوید: غیر از خدا مرا پرستش کنید».<sup>(۱)</sup>

حتی حضرت مسیح (ع) نیز مردم را هرگز به پرستش خویش دعوت نکرد، و همواره خود را مخلوق و بنده و فرستاده خدا می‌دانست: «لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ؛ هرگز مسیح (ع) از این ابا نداشت که بنده خدا باشد، و نه فرشتگان مقربان او (ابا دارند که خود را بنده خدا بدانند)».<sup>(۲)</sup>

تواریخ امروز مسیحیت نیز گواهی می‌دهد که مسأله «تثلیث» (اعتقاد به خدایان سه گانه) در قرن اول مسیحیت وجود نداشت، و این طرز فکر بعداً پیدا شد.



۱-سوره آل عمران، آیه ۷۹.

۲-سوره نساء، آیه ۱۷۲.

## ۱۶- معجزات و علم غیب

عبودیت پیامبران هرگز مانع از آن نیست که آنها به اذن و فرمان خداوند از امور پنهانی مربوط به حال و گذشته و آینده آگاه باشند: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ؛ خداوند دانای غیب است، و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی سازد، مگر رسولانی را که برگزیده است».<sup>(۱)</sup>

می دانیم: یکی از معجزات مسیح(ع) این بود که به مردم از پاره ای از امور پنهانی خبر می داد: «وَأَنْبَأَكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ؛ من شما را از آنچه می خورید و در خانه های خود ذخیره می کنید خبر می دهم»!<sup>(۲)</sup>

پیامبر اسلام(ص) نیز از طریق تعلیم الهی بسیاری از اخبار پنهانی را بیان می فرمود: «ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ؛ این از خبرهای غیب است که به تو وحی می فرستیم».<sup>(۳)</sup>

بنابراین مانعی ندارد که پیامبران الهی از طریق وحی و به اذن پروردگار از غیب خبر دهند و اگر در بعضی از آیات قرآن، علم غیب از پیامبر اسلام(ص) نفی شده است: «وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ؛ من از غیب آگاه نیستم و نمی گویم فرشته ام».<sup>(۴)</sup> منظور علم ذاتی و

۱-سوره جن، آیات ۲۶ و ۲۷.

۲-سوره آل عمران، آیه ۴۹.

۳-سوره یوسف، آیه ۱۰۲.

۴-سوره انعام، آیه ۵۰.

استقلالی است، نه علمی که از طریق تعلیم الهی حاصل شود، زیرا می دانیم آیات قرآن یکدیگر را تفسیر می کنند.

ما معتقدیم: این بزرگواران کارهای خارق العاده، و معجزات مهمی «باذن الله» انجام می دادند، و اعتقاد به انجام این گونه کارها به اذن الهی، نه شرك است و نه منافاتی با مقام عبودیت آنها دارد. حضرت مسیح (ع) - به تصریح قرآن مجید - مردگان را به اذن خدا زنده می کرد، و بیماران غیر قابل علاج را به فرمان خدا شفا می داد: «وَأَبْرَأُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأَخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ»<sup>(۱)</sup>

\*\*\*

## ۱۷- مقام شفاعت پیامبران

ما معتقدیم: پیامبران الهی - و از همه برتر پیامبر اسلام (ص) - دارای مقام شفاعتند و برای گروه خاصی از گنهکاران نزد خداوند شفاعت می کنند، ولی آن هم به اذن و اجازه پروردگار است: «مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ؛ هیچ شفاعت کننده ای نیست مگر بعد از اذن و اجازه پروردگار»<sup>(۲)</sup>

«مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ؛ کیست که در نزد او شفاعت کند جز به فرمان او»<sup>(۳)</sup> و اگر در بعضی از آیات قرآن اشاره به نفی شفاعت بطور مطلق شده و می فرماید: «مَنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا

۱-سوره آل عمران، آیه ۴۹.

۲-سوره یونس، آیه ۳.

۳-سوره بقره، آیه ۲۵۵.

شَفَاعَة؛ اتفاق کنید پیش از آن که روزی فرار رسد که در آن روز نه بیع وجود دارد (تا کسی بتواند سعادت و نجات را برای خود خریداری کند) و نه دوستی (و رفاقت‌های معمولی سودی دارد) و نه شفاعت<sup>(۱)</sup> منظور شفاعت استقلالی و بدون اذن خداست، یا درباره کسانی است که قابلیت شفاعت ندارند، زیرا بارها گفته شد که آیات قرآن یکدیگر را تفسیر می‌کنند.

ما معتقدیم: مسأله شفاعت، وسیله مهمی است برای تربیت افراد، و بازگرداندن گنهکاران به راه راست و تشویق به پاکی و تقوا و احیای امید در دل آنان، چرا که مسأله شفاعت، بی حساب و کتاب نیست، تنها در مورد کسانی است که شایستگی آن را داشته باشند، یعنی آلودگی آنها در حدی نباشد که رابطه خود را با شفیعان بکلی قطع کرده باشند، بنابراین مسأله شفاعت به گنهکاران هشدار می‌دهد، تمام پلها را پشت سر خود خراب نکنند و راهی برای بازگشت برای خود بگذارند و لیاقت شفاعت را از دست ندهند.

\*\*\*

## ۱۸- مسأله توسل

ما معتقدیم: مسأله «توسل» نیز شبیه مسأله «شفاعت» است، این مسأله به صاحبان مشکلات معنوی و مادی اجازه می‌دهد که دست به دامان اولیاء الله بزنند تا به اذن الله حل مشکلاتشان را از خدا بخواهند، یعنی از یکسو خود به درگاه خدا روی می‌آورند و از سوی دیگر اولیاء الله را وسیله قرار می‌دهند: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُوا

۱-سوره بقره، آیه ۲۵۴.

فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوْجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا؛ اگر آنها هنگامی که به خود ستم می کردند (و مرتکب معصیت می شدند) به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند، و رسول خدا (ص) نیز برای آنها طلب آمرزش می نمود خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.<sup>(۱)</sup>

و نیز در داستان برادران یوسف (ع) می خوانیم: «آنها به پدرشان متوسل شدند و گفتند: «یا اباانا اسْتَغْفِرْ لَنَا اِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ؛ ای پدر! برای ما، از خدا آمرزش بخواه، چرا که ما خطا کار بودیم!» پدر پیر (یعقوب پیامبر) این پیشنهاد را از آنها پذیرفت و به آنان وعده مساعد داد و گفت: «سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي؛ به زودی برای شما از پیشگاه پروردگام طلب آمرزش می کنم.»<sup>(۲)</sup> اینها گواه بر این است که «توسل» در اتمهای پیشین بوده و هست.

ولی نباید از این حدّ منطقی فراتر رفت، و اولیاء الله را مستقل در تأثیر و بی نیاز از اذن خدا دانست که سبب «شرك و کفر» خواهد شد. و نیز نباید توسل به صورت عبادت اولیاء الله در آید که آن هم «شرك و کفر» است، زیرا آنها در ذات خود و بدون اذن پروردگار مالک سود و زیانی نیستند: «قُلْ لَا اَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا اِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ؛ بگو: من (حتی) برای خودم مالک سود و زیانی نیستم مگر آنچه خدا بخواهد»<sup>(۳)</sup> و غالباً در میان گروهی از عوام از همه فرق اسلامی همیشه افراط و تفریطهایی در مسأله توسل دیده می شود که باید آنها را ارشاد و هدایت کرد.

۱-سوره نساء، آیه ۶۴.

۲-سوره یوسف، آیه ۹۷ و ۹۸.

۳-سوره اعراف، آیه ۱۸۸.



## ۱۹- اصول دعوت انبیا یکی است

ما معتقدیم: همه انبیاء الهی یک هدف را تعقیب می کردند و آن سعادت انسانها از طریق ایمان به خدا و روز رستاخیز و تعلیم و تربیت صحیح دینی و تقویت اصول اخلاقی در جوامع بشری بوده است، و به همین دلیل همه پیامبران نزد ما محترمند، این مطلب را قرآن به ما آموخته است: «لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ؛ ما هیچ فرقی میان رسولان الهی نمی گذاریم».<sup>(۱)</sup>

هر چند با گذشت زمان و آمادگی نوع بشر برای تعلیمات عالیتر، ادیان الهی تدریجاً کاملتر، و تعلیمات آنها عمیقتر و عمیقتر شده است تا نوبت به آخرین و کاملترین آیین الهی یعنی آیین اسلام رسید و فرمان «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را به عنوان آیین (جاویدان) شما پذیرفتم» صادر شد.<sup>(۲)</sup>



## ۲۰- اخبار انبیای پیشین

ما معتقدیم: بسیاری از پیامبران پیشین از ظهور پیامبران بعد از خود خبر داده اند، از جمله حضرت موسی (ع) و حضرت مسیح (ع) نشانه های روشنی از پیامبر اسلام (ص) دادند که هنوز بعضی از آنها در کتب آنان

۱-سوره بقره، آیه ۲۸۵.

۲-سوره مائده، آیه ۳.

موجود است: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ... أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ آنها که از رسول خدا، پیامبر درس نخوانده (ولی عالم و آگاه) پیروی می کنند، همان پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است می یابند، آنها رستگاراند.»<sup>(۱)</sup>

به همین دلیل تاریخ می گوید: مدتی قبل از ظهور پیامبر اسلام (ص) گروه عظیمی از یهود به مدینه آمدند و با بی صبری انتظار ظهورش را می کشیدند، چون در کتب خود یافته بودند که او از این سرزمین ظهور می کند، هر چند بعد از طلوع این آفتاب گروهی از آنها ایمان آوردند و گروهی دیگر که منافع خود را در خطر می دیدند به مخالفت برخاستند!



## ۲۱- پیامبران و اصلاح تمام شؤون زندگی

ما معتقدیم: ادیان الهی که بر پیامبران خدا نازل شده - مخصوصاً دین اسلام - تنها ناظر به اصلاح زندگی فردی یا منحصر به مسائل معنوی و اخلاقی نبوده است بلکه اصلاح و بهبود تمام شؤون اجتماعی را نیز در برمی گرفته، حتی بسیاری از علوم و دانشهای مورد نیاز برای زندگی روزانه را مردم از آنان آموختند که به بعضی از آنها در قرآن اشاره شده است.

و نیز معتقدیم: یکی از مهمترین اهداف آن پیشوایان الهی اقامه عدالت در جامعه بشری بوده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ

اَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم (جهان) قیام به عدالت کنند»<sup>(۱)</sup>



## ۲۲- نفی امتیازات قومی و نژادی

ما معتقدیم: پیامبران خدا مخصوصاً پیامبر اسلام (ص) هیچ گونه امتیاز «نژادی» و «قومی» را نمی پذیرفتند، بلکه تمام نژادها و زبانها و اقوام و ملت‌های جهان، همه و همه در نظرشان یکسان بود؛ قرآن خطاب به همه انسانها می گوید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (ولی اینها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست!»<sup>(۲)</sup>

در حدیث معروفی از پیامبر اسلام (ص) آمده است که در سرزمین منی (در مراسم حج) در حالی که بر شتری سوار بود رو به سوی مردم کرد، و این سخنان را ایراد فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ! أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَىٰ عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَىٰ عَرَبِيٍّ، وَلَا لَأَسْوَدٍ عَلَىٰ أَحْمَرَ، وَلَا لَأَحْمَرَ عَلَىٰ أَسْوَدٍ، إِلَّا بِالْتَّقْوَىٰ، أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ؟ قَالُوا نَعَمْ! قَالَ لِيُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ؛ ای مردم! بدانید: خدای

۱-سوره حدید، آیه ۲۵.

۲-سوره حجرات، آیه ۱۳.

شما یکی است و پدرتان یکی، نه عرب بر عجم برتری دارد، و نه عجم بر عرب، نه سیاهپوست بر گندمگون، و نه گندمگون بر سیاهپوست، مگر به تقوا، آیا متن دستور الهی را ابلاغ کردم؟ همه گفتند: آری! فرمود: این سخن را حاضران به غائبان برسانند!»<sup>(۱)</sup>



### ۲۳- اسلام و سرشت انسانی

ما معتقدیم: ایمان به خدا و توحید و اصول تعلیمات انبیاء به صورت اجمالی بطور فطری در درون جان همه انسانها وجود دارد، پیامبران الهی این بذره‌های پر ثمر را با آب وحی آبیاری کرده، و علف هرزه‌های شرک و انحراف را از اطراف آن دور ساخته اند: «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ این (آیین خالص پروردگار) سرشتی است که خداوند همه انسانها را بر آن آفریده، هیچ دگرگونی در آفرینش الهی نیست (و این فطرت در همه انسانها ثابت است) این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند.»<sup>(۲)</sup>

به همین دلیل در طول تاریخ، دین همواره در میان انسانها وجود داشته و به اعتقاد مورخان بزرگ لادینی یک امر کاملاً نادر و استثنایی بوده است و حتی ملت‌هایی که سالیان دراز تحت فشار شدیدترین تبلیغات ضد دینی بوده‌اند، همین که آزادی خود را به دست آوردند به سوی

۱- تفسیر قرطبی، جلد ۹، صفحه ۶۱۶۲.

۲- سوره روم، آیه ۳۰.

دینداری بازگشتند، ولی نمی توان انکار کرد که پایین بودن سطح فرهنگ بسیاری از اقوام پیشین سبب می شد که عقاید و آداب دینی با خرافات آلوده شود و نقش مهم پیامبران الهی زدودن زنگار این خرافات از آئینه فطرت انسانها بوده است.



## قرآن و کتب آسمانی

### ۲۴- فلسفه نزول کتابهای آسمانی

ما معتقدیم: خداوند برای هدایت نوع بشر کتابهای آسمانی متعددی فرستاده، از جمله «صحف» ابراهیم و نوح، و «تورات» و «انجیل» و از همه جامعتر «قرآن مجید» است، و اگر این کتابها نازل نمی شد، انسان در مسیر خداشناسی و عبادت پروردگار گرفتار خطا می شد و از اصول تقوا و اخلاق و تربیت، و قوانین اجتماعی مورد نیازش دور می ماند.

این کتب آسمانی همچون باران رحمتی بر صفحه دلها فرو ریخت و بذرهای تقوا و اخلاق و معرفه الله و علم و حکمت را در نهاد انسانها پرورش داد و شکوفا ساخت.

«أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ؛ پیامبر به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده و همه مؤمنان (نیز) به خدا و فرشتگان او و تمام کتابها و فرستادگانش ایمان آورده اند.»<sup>(۱)</sup>

هر چند متأسفانه بر اثر گذشت زمان و دخالت جاهلان و ناهالان،

بسیاری از کتب آسمانی، مورد تحریف قرار گرفت و با افکار نادرستی آمیخته شد، ولی قرآن مجید با دلایلی که خواهد آمد دست نخورده باقی مانده است و همچون آفتابی در همه اعصار و قرون می درخشد و دلها را روشن می سازد.

«قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ؛ از سوی خدا نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد - خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی دارند، به راههای سلامت (و سعادت) هدایت می کند.»<sup>(۱)</sup>



## ۲۵- قرآن برترین معجزه پیامبر اسلام (ص)

ما معتقدیم: قرآن مهمترین معجزات پیامبر اسلام (ص) است، نه تنها از نظر فصاحت و بلاغت، و شیرینی بیان و رسا بودن معانی، بلکه از جهات مختلف دیگر نیز دارای اعجاز است که شرح آن در کتب عقاید و کلام داده شده است.

به همین دلیل معتقدیم: هیچ کس نمی تواند مانند آن، و حتی مانند یک سوره آن را بیاورد، قرآن بارها همه کسانی را که در شک و تردید بودند بارها به این امر دعوت کرد ولی آنها هرگز توان مقابله با آن را پیدا نکردند: «قُلْ لَنْ يَجْتَمَعَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا؛ بگو اگر انسانها و پریان (جن و انس) اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند همانند آن را نخواهند

آورد، هر چند یکدیگر را در این کار یاری کنند»<sup>(۱)</sup>.

«وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ  
وَادْعُوا شُهَدَائِكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ و اگر درباره آنچه بر بنده  
خود (پیامبر اسلام) نازل کرده ایم، شک و تردید دارید (دست کم) یک سوره  
همانند آن را بیاورید، و گواهان خود غیر خدا را برای این کار فرا خوانید اگر  
راست می گوید»<sup>(۲)</sup>.

و عقیده داریم که قرآن با گذشت زمان، نه تنها کهنه نمی شود، بلکه  
نکات اعجازآمیز آن، آشکارتر، و عظمت محتوایش بر جهانیان روشتر  
می شود.

در حدیثی از امام صادق (ع) می خوانیم که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ  
وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لِزَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ  
زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غُضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ خداوند متعال قرآن را  
برای زمان خاص یا گروه معینی قرار نداده به همین دلیل در هر زمانی تازه، و  
نزد هر گروهی تا روز قیامت پر طراوت کرد»<sup>(۳)</sup>.

\*\*\*

## ۲۶- عدم تحریف قرآن

ما معتقدیم: قرانی که امروز در دست مسلمین جهان است همان  
است که بر پیامبر اسلام (ص) نازل شد، نه چیزی از آن کاسته شده و نه  
چیزی بر آن افزوده گشته است!

۱-سوره اسراء، آیه ۸۸.

۲-سوره بقره، آیه ۲۳.

۳-بحارالانوار، جلد ۲، صفحه ۲۸۰، حدیث ۴۴.



از همان روزهای نخست گروه بزرگی از کاتبان وحی، آیات قرآن را پس از نزول می‌نوشتند، و مسلمانان موظف بودند شب و روز آن را بخوانند، و در نمازهای پنجگانه خود آن را تکرار کنند، گروه عظیمی آیات قرآن را به خاطر می‌سپردند و حفظ می‌کردند، حافظان قرآن و قاریان، همیشه در جوامع اسلامی موقعیت و مقام ویژه‌ای داشته و دارند. مجموع این امور و جهات دیگر سبب شد که کمترین تغییر و تحریفی در قرآن راه نیابد.

افزون بر این، خداوند حفظ آن را تا پایان جهان تضمین کرده است و با وجود این تضمین الهی، تغییر و تحریف آن غیرممکن است: «إِنَّا نَحْنُ نُحَرِّفُ الْقُرْآنَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ ما قرآن را نازل کریم و بطور قطع از آن پاسداری می‌کنیم».<sup>(۱)</sup>

همه محققان و علمای بزرگ اسلام - اعم از شیعه و اهل سنت - در این امر متفقند که هیچ‌گونه دست‌تحریف به سوی قرآن دراز نشده است، تنها افراد اندکی از هر دو گروه قول به تحریف را به خاطر پاره‌ای از روایات دنبال کرده‌اند، ولی آگاهان دو گروه، این نظر را بطور قاطع رد می‌کنند، و روایات مزبور را «مجعول» دانسته و یا ناظر به «تحریف معنوی» (یعنی تفسیر نادرست برای آیات قرآن) یا اشتباه «تفسیر قرآن» به «متن قرآن» می‌دانند - دقت کنید.

کوتاه‌فکرانی که اصرار دارند، اعتقاد به تحریف قرآن را که مخالف صریح کلمات علمای معروف و بزرگ شیعه و اهل سنت است به گروهی از شیعه یا غیر شیعه نسبت دهند، ناآگاهانه به قرآن ضربه می‌زنند

و به خاطر اعمال تعصبات ناروا، اعتبار این کتاب بزرگ آسمانی را زیر سؤال می‌برند و آب به آسیاب دشمن می‌ریزند.

مطالعه سیر تاریخی جمع‌آوری قرآن از عصر پیامبر (ص) و اهتمام فوق‌العاده، مسلمین به کتابت و حفظ و تلاوت و نگهداری آن مخصوصاً وجود گروه کاتبان وحی از روز نخست، این حقیقت را برای همه روشن می‌سازد که باز شدن دست تحریف به قرآن غیر ممکن بوده است.

و نیز غیر از این قرآن معروف قرآن دیگری وجود ندارد، دلیل آن بسیار روشن است و راه تحقیق به روی همه باز است زیرا امروز قرآن در تمام خانه‌های ما، و همه مساجد و عموم کتابخانه‌های سراسر کشور ما وجود دارد، حتی قرآنهاي خطی که قرن‌ها پیش نوشته شده و در موزه‌های ما نگهداری می‌شود، همه نشان می‌دهد که عین قرآنهايی است که در سایر کشورهای اسلامی وجود دارد، و اگر در گذشته راه تحقیق برای این مسائل وجود نداشت، امروز درهای تحقیق به روی همه گشوده است و با مختصر تحقیقی، بی‌اساس بودن این نسبت‌های ناروا آشکار می‌گردد.

«فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ؛ بندگان مرا بشارت ده - که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن پیروی می‌کنند.»<sup>(۱)</sup>

در حوزه‌های علمیة ما امروز علوم قرآنی به صورت گسترده تدریس می‌شود، و یکی از مباحث مهمی که در این دروس مطرح است، بحث عدم تحریف و دگرگونی قرآن می‌باشد.<sup>(۲)</sup>

۱-سوره زمر، آیه ۱۷ و ۱۸.

۲-ما در نوشته‌های خود اعم از بحث‌های «تفسیر» و «اصول فقه»، بحث‌های گسترده‌ای در زمینه عدم تحریف داشته‌ایم (به کتاب انوارالاصول و تفسیر نمونه مراجعه شود).

## ۲۷- قرآن و نیازهای مادی و معنوی انسانها

ما معتقدیم: آنچه مورد نیاز انسان برای زندگی معنوی و مادی است، اصول آن در قرآن مجید بیان شده است، برای اداره حکومت و مسائل سیاسی، روابط با جوامع دیگر، اصول همزیستی، جنگ و صلح، مسائل قضایی و اقتصادی و غیر آن ضوابط و قواعد کلیه ای بیان شده که به کار بستن آنها، فضای زندگی ما را روشن می سازد.

«وَوَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ؛ ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای پیروان اسلام است.»<sup>(۱)</sup>

به همین دلیل اعتقاد ما این است که هرگز «اسلام» از «حکومت و سیاست» جدا نمی باشد و به مسلمانان دستور می دهد زمام حکومت خود را در دست گیرند، و ارزشهای والای اسلام را به کمک آن زنده کنند، و جامعه اسلامی چنان تربیت شود که عموم مردم در مسیر عدالت و قسط قرار گیرند و حتی عدالت را درباره دوست و دشمن اجرا کنند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، کاملاً قیام به عدالت کنید و برای خدا شهادت دهید هر چند (این گواهی) به زیان خود شما یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد.»<sup>(۲)</sup>

«وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَنْ لَا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ

۱-سوره نحل، آیه ۸۹.

۲-سوره نساء، آیه ۱۳۵.

لِلتَّقْوَى؛ هرگز دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترك عدالت نکشانند، عدالت کنید که به تقوا و پرهیزکاری نزدیکتر است»<sup>(۱)</sup>.



## ۲۸- تلاوت، تدبّر، عمل

ما معتقدیم: تلاوت قرآن از افضل عبادات است و کمتر عبادتی به پایه آن می‌رسد، چرا که این تلاوت الهامبخش اندیشه در قرآن، و اندیشه و تفکر، سرچشمه اعمال صالح است.

قرآن خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌گوید: «فَمِ اللَّيْلِ الْآ قَلِيلاً \* نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلاً \* أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً؛ ... شب را جز کمی بپاخیز، نیمی از شب را (بیدار باش) یا کمی از آن کم کن، یا بر آن بیفزای، و قرآن را با دقت و تأمل بخوان!»<sup>(۲)</sup>

و خطاب به همه مسلمانان می‌گوید: «فَأَقْرُوا مَا تَيْسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ؛ آنچه برای شما میسر است قرآن بخوانید!»<sup>(۳)</sup>

ولی همان گونه که گفته شد تلاوت قرآن باید وسیله‌ای برای تفکر و تدبّر در معنی و محتوای آن باشد، و تفکر و اندیشه نیز باید، مقدمه عمل به قرآن گردد: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَهْفَالِهَا؛ آیا آنها در قرآن تدبّر نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است»<sup>(۴)</sup>.

«وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ؛ ما قرآن را برای تذکر آسان

۱-سوره مائده، آیه ۸.

۲-سوره مزمل، آیات ۲-۴.

۳-سوره مزمل، آیه ۲۰.

۴-سوره محمد، آیه ۲۴.

ساختیم آیا کسی هست که متذکر شود (و عمل کند)؟!<sup>(۱)</sup>

«هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ؛ این کتابی است پر برکت که (بر تو) نازل کردیم، پس از آن پیروی کنید!»<sup>(۲)</sup>

بنابراین آنها که به تلاوت و حفظ قرآن قناعت می کنند، و از «تدبیر» و «عمل» به قرآن خبری ندارند، گرچه یکی از سه رکن را انجام داده، ولی دو رکن مهمتر را از دست داده اند و گرفتار خسارت عظیمی شده اند.



## ۲۹- بحثهای انحرافی

ما معتقدیم: همیشه برای منصرف ساختن مسلمانان از تدبیر در آیات قرآن و عمل به آن، دستهایی در کار بوده است؛ یک روز در عصر حکام بنی امیه و بنی عباس<sup>(۳)</sup> قدیم بودن کلام الله یا حادث بودن آن را دامن زدند، و مسلمانان را به دو گروه تقسیم نموده به جان هم انداختند، و خونهای بسیاری در این راه ریختند. در حالی که امروز می دانیم این بحث اصلاً مفهوم صحیحی که در خور نزاع باشد ندارد، چرا که اگر منظور از کلام الله، حروف و نقوش و کتابت و کاغذ آن باشد، بدون شک اینها امور حادثی است، و اگر منظور معانی آن در علم پروردگار باشد، بی شک علم خدا همچون ذات او قدیم و ازلی است. ولی حکام

۱-سوره قمر، آیه ۱۷.

۲-سوره انعام، آیه ۱۵۵.

۳-در بعضی از تواریخ آمده است که مأمون عباسی، با کمک یکی از قضات خود حکمی صادر کرد که هر کس عقیده به مخلوق بودن قرآن ندارد، از مناصب دولتی خلع کنند و شهادت او را در دادگاهها نپذیرند (تاریخ جمع قرآن کریم، صفحه ۲۶۰).

جائر و خلفای ظالم سالها مردم مسلمان را به این مسأله مشغول ساختند، و امروز نیز دستهای دیگری در کار است که مسلمین را به گونه های دیگر از تدبّر و عمل به آیات قرآن باز دارد.



### ۳۰- ضوابط تفسیر قرآن

ما معتقدیم: الفاظ قرآن را باید بر همان مفاهیم عرفی و لغوی آن حمل کرد، مگر این که قرینه ای از عقل یا نقل، در درون یا بیرون آیات وجود داشته باشد که دلالت بر معانی دیگری کند، (ولی از تکیه کردن بر قرائن مشکوک باید پرهیز کرد، و آیات قرآن را با حدس و گمان تفسیر ننمود).

مثلاً هنگامی که قرآن می گوید: «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ؛ کسی که در این جهان نابینا بوده است در آخرت نیز نابینا و گمراهتر است!»<sup>(۱)</sup>

یقین داریم که منظور از «اعمی» در این جا نابینایی ظاهری که معنی لغوی آن است نمی باشد، چرا که بسیاری از نیکان و پاکان ظاهراً نابینا بوده اند، بلکه منظور کوردلی و نابینایی باطن است.

در این جا وجود قرینه عقلیه سبب چنین تفسیری است.

همچنین قرآن درباره گروهی از دشمنان اسلام می گوید: «هُمْ بُكْمٌ عُمْى فَهُمْ لَا يَعْقلُونَ؛ آنها کر و لال و نابینا هستند، و به همین دلیل چیزی نمی فهمند.»<sup>(۲)</sup>

۱-سوره اسراء، آیه ۷۲.

۲-سوره بقره، آیه ۱۷۱.

بدیهی است آنها از نظر ظاهر، کر و لال و نابینا نبودند بلکه این صفات باطنی آنها بود (این تفسیر را ما به خاطر قرائن حالیه ای که در دست داریم برای این آیه ذکر می کنیم).

بنابراین هنگامی که قرآن درباره خدا می گوید: «بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ؛ هر دو دست خداوند گشاده است». <sup>(۱)</sup> یا می فرماید: «وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا؛ (ای نوح) در برابر دیدگان ما کشتی بساز». <sup>(۲)</sup>

هرگز مفهوم این آیات، وجود اعضای جسمانی چشم و گوش و دست برای خدا نیست، چرا که هر جسمی دارای اجزایی است و نیاز به زمان و مکان و جهت دارد، و سرانجام فانی می شود، و خداوند برتر از آن است که این صفات را دارا باشد، پس منظور از «يَدَاهُ» (دستها) همان قدرت کامله الهی است که سراسر جهان را زیر نفوذ خود قرار داده، و منظور از «اعین» (چشمها) علم و آگاهی اوست نسبت به همه چیز.

بنابراین ما هرگز جمود بر تعبیرات فوق - چه در باب صفات خدا و چه در غیر آن - و نادیده گرفتن قرائن عقلی و نقلی را نمی پذیریم، زیرا روش تمام سخنوران عالم تکیه به این گونه قرائن است و قرآن این روش را به رسمیت شناخته: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ؛ ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به زبان قومش». <sup>(۳)</sup> ولی همان طور که گفته شد قرائن باید قطعی و روشن باشد.



۱-سوره مائده، آیه ۶۴.

۲-سوره هود، آیه ۳۷.

۳-سوره ابراهیم، آیه ۴.

## ۳۱- خطرات تفسیر به رأی

ما معتقدیم: تفسیر به رأی یکی از خطرناکترین برنامه‌ها در مورد قرآن مجید است که در روایات اسلامی، یکی از گناهان کبیره شمرده شده، و مایه سقوط از درگاه قرب پروردگار است، در حدیث آمده است که خداوند می‌فرماید: «مَا آمَنَ بِي مَنْ فَسَّرَ بِرَأْيِهِ كَلَامِي؛ آن کس که سخن مرا به میل خود (و بر طبق هوای نفس خویش) تفسیر کند به من ایمان نیاورده است».<sup>(۱)</sup> بدیهی است اگر ایمان صحیحی داشت کلام خدا را آنچنان که هست می‌پذیرفت نه آن گونه که مطابق میل او است.

در بسیاری از کتب معروف (از جمله صحیح ترمذی و نسایی و ابی داود) این حدیث از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِرَأْيِهِ أَوْ بِمَالَا يَعْلَمُ فَلْيَتَّبِعُوهُ مَفْعَدَهُ مِنَ النَّارِ؛ کسی که قرآن را به میل خویش تفسیر کند یا ناآگاهانه چیزی درباره آن بگوید باید آماده شود که در جایگاه خویش در دوزخ قرار گیرد».<sup>(۲)</sup>

منظور از تفسیر به رأی آن است، قرآن را مطابق تمایلات و عقیده شخصی یا گروهی خویش معنی کند، و بر آن تطبیق نماید، بی آن که قرینه و شاهدی بر آن باشد، چنین کسی در واقع تابع قرآن نیست، بلکه می‌خواهد قرآن را تابع خویش گرداند، و اگر ایمان کاملی به قرآن داشت هرگز چنین نمی‌کرد.

۱- وسایل، جلد ۱۸، صفحه ۲۸، حدیث ۲۲.

۲- کتاب مباحث فی علوم القرآن، نوشته مناع الخلیل القطان از دانشمندان معروف ریاض، صفحه ۳۰۴.



به یقین اگر باب «تفسیر به رأی» در قرآن گشوده شود، قرآن مجید بکلی از اعتبار خواهد افتاد، و هر کس آن را مطابق میل خویش معنی می کند و هر عقیده باطلی را بر قرآن تطبیق می نماید.

بنابراین تفسیر به رأی یعنی تفسیر قرآن بر خلاف موازین علم لغت و ادبیات عرب و فهم اهل زبان و تطبیق دادن آن بر پندارها و خیالات باطل و تمایلات شخصی و گروهی، موجب تحریف معنوی قرآن است.

تفسیر به رأی شاخه های متعددی دارد، از جمله برخورد گزینشی به آیات قرآن است، به این معنی که انسان مثلاً در بحث «شفاعت» و «توحید» و «امامت» و غیر آن، تنها به سراغ آیاتی برود که در مسیر پیشداوریهای اوست، و آیات دیگری را که با افکار او هماهنگ نیست، و می تواند مفسر آیات دیگر باشد، نادیده بگیرد، و یا بی اعتنا از کنار آن به سادگی بگذرد.

کوتاه سخن این که: همان طور که جمود بر الفاظ قرآن مجید و عدم توجه به قرائن عقلی و نقلی معتبر، نوعی انحراف است، تفسیر به رأی نیز انحراف دیگری محسوب می شود، و هر دو مایه دور افتادن از تعلیمات والای قرآن و ارزشهای آن است - دقت کنید.

\*\*\*

۳۲- سنت، برخاسته از «کتاب الله» است

ما معتقدیم: هیچ کس نمی تواند «کفانا کتاب الله» بگوید و احادیث و سنت نبوی را که در مورد تفسیر و تبیین حقایق قرآن و فهم ناسخ و منسوخ و خاص و عام قرآن است یا مربوط به تعلیمات اسلام در

اصول و فروع دین می باشد نادیده بگیرد. زیرا آیات قرآن مجید، سنّت پیغمبر اکرم (ص) و کلمات و افعال او را برای مسلمین حجت شمرده، و آن را از منابع اصلی فهم اسلام و استنباط احکام قرار داده است: «وَمَا آتَيْكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا؛ آنچه را رسول خدا (ص) برای شما آورده (و به شما دستور داده) بگیرید (و عمل کنید) و آنچه را نهی کرده خودداری نمایید». <sup>(۱)</sup>

«وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا؛ هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشند، و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند گرفتار گمراهی آشکاری شده است». <sup>(۲)</sup>

آنها که به سنّت پیامبر (ص) بی اعتنا هستند در واقع قرآن را نادیده گرفته اند، ولی بدیهی است که سنّت پیامبر (ص) باید از طرق معتبر ثابت گردد و هر سخنی را هر کس به آن بزرگوار نسبت دهد نمی توان پذیرفت. علی (ع) در یکی از سخنانش می فرماید: «وَلَقَدْ كَذَّبَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - حَتَّى قَامَ خَطِيبًا فَقَالَ: مَنْ كَذَّبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ؛ در زمان حیات پیامبر (ص) دروغهایی به آن حضرت بستند تا آنجا که برخاست و خطبه ای خواند و فرمود: هر کس عمداً دروغی به من ببندد باید آماده قرار گرفتن در جایگاه خود در آتش باشد». <sup>(۳)</sup>

۱-سوره حشر، آیه ۷.

۲-سوره احزاب، آیه ۳۶.

۳-نهج البلاغه، خطبه ۲۱۰.

شبيه همين معنى در صحيح بخارى نيز آمده است. <sup>(۱)</sup>

\*\*\*

۳۳- سنت امامان اهل بيت (عليهم السلام)

و نيز ما معتقديم: احاديث ائمه اهل بيت - عليهم السلام - نيز به دستور پيغمبر اکرم (ص) واجب الاطاعه است، زيرا «اولاً» در حديث معروف متواترى که در اغلب کتب مشهور حديث اهل سنت و شيعه نقل شده است به اين معنى تصريح شده، در صحيح «ترمذى» آمده است که پيامبر (ص) فرمود: «يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنِ اخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي؛ اى مردم! من در ميان شما چيزى گذاردم که اگر دست به دامن آنها زنيدهرگز گمراه نخواهيد شد کتاب خدا و عترتم، يعنى اهل بيتم!» <sup>(۲)</sup>

ثانياً امامان اهل بيت - عليهم السلام - تمام احاديث خود را از پيغمبر اکرم (ص) نقل کرده اند، و گفته اند آنچه ما مى گوييم از پدرانمان از پيامبر (ص) به ما رسیده است.

آرى پيامبر (ص) آینده مسلمين و مشکلات آنها را به خوبى مى ديده و راه حل مشکلات فزاينده آنها را تا پايان جهان در پيروي از قرآن و ائمه اهل بيت - عليهم السلام - شمرده است.

آيا مى توان حديثى را با اين اهميت و اين محتوا و اين اسناد قوى

۱- صحيح بخارى، جلد ۱، صفحه ۳۸ (باب اسم من كذب على النبي (ص)).

۲- صحيح ترمذى، جلد ۵، صفحه ۶۶۲، باب مناقب اهل بيت النبي (ص)، حديث

۳۷۸۶ - اسناد متعدّد اين حديث در بحث امامت بطور مشروحتر خواهد آمد.

نادیده گرفت و به سادگی از کنار آن گذشت؟!، به همین دلیل معتقدیم: اگر نسبت به این مسأله توجه بیشتری می شد، بعضی از مشکلات که مسلمانان امروز در مسائل عقاید و تفسیر و مسائل فقهی با آن رو به رو هستند وجود نداشت.





## بخش چهارم

### قیامت و زندگی پس از مرگ

۳۴- بدون معاد زندگی نامفهوم است

ما معتقدیم: همه انسانها در روز واحدی بعد از مرگ زنده می شوند و به حساب اعمال آنها رسیدگی خواهد شد، نیکان و صالحان در بهشت جاویدان جای می گیرند و بدان و گنهکاران به دوزخ فرستاده می شوند. «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ؛ معبودی جز خداوند یکتا نیست، به یقین همه شما را در روز رستاخیز که شکی در آن نیست گردآوری می کند.»<sup>(۱)</sup>

«فَأَمَّا مَنْ طَغَى \* وَ أَتَى الْحَيَاةَ الدُّنْيَا \* فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى \* وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى \* فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى؛ اما آن کس که طغیان کرده و زندگی دنیا را مقدم داشته است به یقین دوزخ جایگاه اوست و آن کس که از مقام (عدالت) پروردگارش بترسد و نفس را از هوی و هوس باز دارد به یقین بهشت جایگاه اوست.»<sup>(۲)</sup>

ما معتقدیم: این جهان در واقع پلی است که انسانها باید از آن

۱-سوره نساء، آیه ۸۷.

۲-سوره نازعات، آیات ۳۷-۴۱.

بگذرند و به سرای جاویدان برسند، یا به تعبیر دیگر دانشگاه، یا بازار تجارت، یا مزرعه ای است برای سرای دیگر.

علی (ع) درباره دنیا می گوید: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَّقَهَا... وَ دَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا، وَ دَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا، مَسْجِدٌ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَ مُصَلَّى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَ مَهْبِطٌ وَحَى اللَّهِ وَ مَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ؛ دنیا جایگاه صدق و راستی است برای آن کس که با صداقت با آن برخورد کند ... و سرای بی نیازی است برای آن کس که از آن توشه برگیرد، و جایگاه آگاهی و بیداری است برای آن کس که از آن پند گیرد، مسجد دوستان خداست، و نمازگاه فرشتگان پروردگار و محل نزول وحی الهی، و تجارتخانه دوستان حق!»<sup>(۱)</sup>



### ۳۵- دلایل معاد روشن است

ما معتقدیم: دلایل معاد بسیار روشن است چرا که اولاً: زندگی این جهان نشان می دهد که نمی تواند هدف نهایی آفرینش انسان باشد که چند روزی بیاید، در میان انبوه مشکلات زندگی کند و بعد همه چیز پایان گیرد و در عالم نیستی فرورود: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ؛ آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما باز نمی گردید!»<sup>(۲)</sup>

اشاره به این که اگر معادی در کار نبود حیات دنیا عبث و بیهوده به

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۳۱.

۲- سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵.

نظر می‌رسید.

ثانیاً: عدل الهی ایجاب می‌کند که نیکوکاران و بدکاران که غالباً در این جهان در یک صف قرار می‌گیرند و گاه بدکاران جلوترند، از هم جدا شوند و هر کدام به سزای اعمالشان برسند: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءَ مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ؛ آیا آنها که مرتکب گناهان شدند گمان کردند که ما آنها را همچون کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند؟ که حیات و مرگشان یکسان باشد؟ چه بد داوری می‌کنند!»<sup>(۱)</sup>

ثالثاً: رحمت بی‌پایان الهی ایجاب می‌کند که فیض و نعمت او با مرگ از انسان قطع نشود و تکامل افراد مستعد و شایسته همچنان ادامه یابد: «كَتَبَ عَلَيَّ نُفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ؛ خدا رحمت را بر خود فرض کرده و همه شما را در روز رستاخیز که شکی در آن نیست جمع خواهد کرد».<sup>(۲)</sup>

قرآن به کسانی که در مسأله معاد تردید داشتند می‌گوید: چگونه ممکن است در قدرت خدا برای زنده کردن مردگان شک و تردید کنید، در حالی که خلقت نخستین شما نیز از اوست، همان کسی که در آغاز شما را از خاک آفرید باز هم به زندگی دیگر برمی‌گرداند: «أَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ؛ آیا ما از آفرینش نخستین عاجز ماندیم (که قادر بر آفرینش رستاخیز نباشیم) ولی آنها (با این دلایل

۱-سوره جاثیه، آیه ۲۱.

۲-سوره انعام، آیه ۱۲.



(روشن) باز در آفرینش مجدد تردید دارند! <sup>(۱)</sup>

«وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ \* قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ؛ او برای ما مثالی زد، ولی آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: چه کسی این استخوانهای پوسیده را زنده می کند؟! بگو همان کسی که او را در آغاز آفرید، و او نسبت به هر مخلوقی آگاه است.» <sup>(۲)</sup>

اضافه بر این مگر آفرینش انسان در برابر آفرینش آسمانها و زمین مسأله مهمی است! کسی که قادر است این جهان پهناور را با آن همه شگفتیهایش بیافریند، توانایی بر زنده کردن مردگان را پس از مرگ دارد: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْزُبْ عَنْهُمْ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ آیا آنها نمی دانند خداوندی که آسمانها و زمین را آفرید و از آفرینش آنها ناتوان نشد قادر است مردگان را زنده کند؟ آری او بر هر چیز تواناست.» <sup>(۳)</sup>



### ۳۶- معاد جسمانی

ما معتقدیم: نه تنها روح انسان، بلکه جسم و روح با هم در آن جهان باز می گردند، و حیاتی نوین از سر می گیرند، چرا که آنچه در این جا انجام شده است با همین جسم و روح بوده، و پاداشها و کیفرها نیز باید نصیب هر دو شود.

۱-سوره ق، آیه ۱۵.

۲-سوره یس، آیات ۷۸ و ۷۹.

۳-سوره احقاف، آیه ۳۳.

در غالب آیات مربوط به معاد در قرآن مجید، روی معاد جسمانی تکیه شده است و در برابر تعجب مخالفان که می گفتند: چگونه این استخوانهای پوسیده به حیات مجددی باز می گردند، قرآن می گوید: «قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ؛ کسی که روز اوّل انسان را از خاک آفرید، بر چنین کاری قادر است». <sup>(۱)</sup>

«أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ لَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ \* بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ؛ آیا انسان گمان می کند که استخوانهای (پوسیده) او را جمع (و زنده) نخواهیم کرد؟ آری ما قادریم که (حتی خطوط سر) انگشتان او را مرتب کنیم (و به حال اوّل باز گردانیم)». <sup>(۲)</sup>

این آیات و مانند آن همه صراحت در معاد جسمانی دارد.

آیاتی که می گوید: شما از قبرهایتان برانگیخته می شوید، نیز به وضوح معاد جسمانی را بیان می کند. <sup>(۳)</sup>

اصولاً بیشتر آیات معاد در قرآن معاد روحانی و جسمانی را شرح می دهد.



### ۳۷- عالم عجیب پس از مرگ

ما معتقدیم: آنچه در جهان پس از مرگ و عالم قیامت و بهشت و دوزخ می گذرد، بسیار برتر و بالاتر از آن است که ما در این دنیای

۱- سوره یس، آیه ۷۹.

۲- سوره قیامت، آیات ۳ و ۴.

۳- مانند آیات سوره یس: ۵۱ و ۵۲، قمر: ۷، معارج: ۴۳.

محدود از آن آگاه و باخبر شویم: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ؛ هیچ کس نمی داند چه پادشاهایی که مایه روشنی چشمهاست برای آنها (نیکوکاران) نهفته شده است». <sup>(۱)</sup>

و در حدیث معروف نبوی آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ أَعْدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ؛ من برای بندگان صالحم نعمتهایی فراهم کرده ام که هیچ چشمی آنها را ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ انسانی خطور نکرده است». <sup>(۲)</sup>

در واقع ما در این دنیا به منزله جنین هایی که در محیط محدود شکم مادر قرار دارد می باشیم و اگر جنین فرضاً عقل و هوشی هم داشته باشد، حقایق و مفاهیمی را که در جهان بیرون رحم وجود دارد مانند: آفتاب و ماه درخشان، وزش نسیم، منظره گلها و غرّش امواج دریا را هرگز درک نمی کند، این جهان نسبت به عالم قیامت همچون جهان جنین است نسبت به این دنیا - دقت کنید.

\*\*\*

### ۳۸- معاد و پرونده اعمال

ما معتقدیم: که در آن روز نامه هایی که بیانگر اعمال ماست، به دست ما داده می شود، نامه اعمال نیکوکاران به دست راستشان، و بدکاران به دست چپشان، مؤمنان صالح از مشاهده نامه اعمال خود

۱-سوره سجده، آیه ۱۷.

۲-محدثان مشهور مانند بخاری و مسلم، و مفسران معروف مانند طبرسی، آکوسی و قرطبی این حدیث را در کتابهای خود آورده اند.

خوشحال و مسرور می شوند، و بدکاران شدیداً نگران و ناراحت، همان گونه که قرآن مجید می فرماید: «فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَهْرَؤُا كِتَابِيَهٗ \* إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهٗ \* فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ \* ... وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ؛ اَمَّا آن کس که نامه اعمالش را به دست راستش داده اند (از شادی) صدا می زند که (ای اهل محشر!) نامه اعمال مرا بگیرید و بخوانید! من یقین داشتم که به حساب اعمالم می رسم! و او در یک زندگی رضایتبخش خواهد بود- ولی کسی که نامه اعمالش را به دست چپش داده اند می گوید: ای کاش نامه اعمالم را به من نمی دادند!»<sup>(۱)</sup>

ولی در این که نامه اعمال چگونه است؟ و چگونه نوشته می شود که هیچ کس قادر به انکار محتوای آن نیست؟ درست بر ما روشن نمی باشد، و چنانکه قبلاً نیز اشاره شد اصولاً معاد و رستاخیز ویژگیهایی دارد که درك جزییات آن برای مردم دنیا مشکل یا غیر ممکن است ولی کلیات آن معلوم و غیر قابل انکار است.



### ۳۹- شهود و گواهان در قیامت

ما معتقدیم: که در قیامت علاوه بر این که خداوند شاهد بر تمام اعمال ماست، گواهانی نیز بر اعمال ما گواهی می دهند، دست و پای ما و حتی پوست تن ما، زمینی که بر آن زندگی می کنیم و غیر آنها، همه شاهد و گواه اعمال ما هستند.

«الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَنَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ امروز (روز قیامت) بر دهانشان مهر می نهیم و دستهایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان به کارهایی که انجام می دادند (نیز) شهادت می دهند.»<sup>(۱)</sup>

«وَقَالُوا لَجَلُّوهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهَ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ؛ آنها به پوستهای تن خود می گویند: چرا بر ضد ما گواهی دادید؟ در جواب خواهند گفت: همان خدایی که هر موجودی را به نطق درآورده، ما را گویا ساخته (و این مأموریت افشاگری را به ما بخشیده است!)»<sup>(۲)</sup>

«يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا \* بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا؛ در آن روز زمین خبرهایش را بازگو می کند! چرا که پروردگارت به آن وحی کرده است (که این مأموریت را انجام دهد)»<sup>(۳)</sup>



#### ۴۰- صراط و میزان اعمال

ما معتقد به وجود «صراط» و «میزان» در قیامت هستیم. صراط همان پلی است که بر روی جهنم کشیده شده و همگان باید از روی آن عبور کنند، آری راه بهشت از روی جهنم می گذرد!

«وَإِنَّ مِنْكُمْ أِلًّا وَّارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا \* ثُمَّ نُجِی الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا؛ همه شما (بدون استثنا) وارد جهنم

۱-سوره یس، آیه ۶۵.

۲-سوره فصلت، آیه ۲.

۳-سوره زلزله، آیات ۴ و ۵.

می شوید، این امری است حتمی و قطعی بر پروردگارت، سپس آنها را که تقوا پیشه کرده اند از آن رهایی می بخشیم و ظالمان را، در حالی که به زانو در آمده اند در آن رها می سازیم.<sup>(۱)</sup>

عبور از این گذرگاه صعب العبور خطرناک بستگی به چگونگی اعمال انسانها دارد چنان که در حدیث معروفی می خوانیم: **مِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ مِثْلَ الْبَرْقِ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ مِثْلَ عَدْوِ الْفَرَسِ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ حَبْوًا، وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ مَشْيًا، وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ مَتَعَلِّقًا، قَدْ تَأَخَذَ النَّارُ مِنْهُ شَيْئًا وَتَتْرَكَ شَيْئًا؛** بعضی مانند برق از آن می گذرند و بعضی همچون اسب تیزرو، بعضی با دست و زانو، بعضی همچون پیادگان و بعضی به آن آویزان می شوند (و می گذرند!) گاه آتش دوزخ از آنها چیزی را می گیرد و چیزی را رها می کند!<sup>(۲)</sup>

اما «میزان» چنانکه از نامش پیداست وسیله ای است برای سنجش اعمال انسانها، آری در آن روز همه اعمال ما را می سنجند و ارزش و وزن هر یک را آشکار می کنند:

**«وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُخْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ؛** ما ترازوهای عدل را در روز قیامت بر پا می کنیم، و به هیچ کس کمترین ستمی نمی شود، حتی اگر به مقدار سنگینی یک دانه خردل (کار نیک و بدی) داشته باشد ما آن را

۱-سوره مریم، آیات ۷۱ و ۷۲.

۲-این حدیث با مختصر تفاوتی در منابع معروف شیعه و اهل سنت، مانند کنز العمال حدیث ۳۹۰۳۶ و قرطبی، جلد ۶، صفحه ۴۱۷۵ ذیل آیه ۷۱ سوره مریم و صدوق در امالی خود آن را از امام صادق(ع) نقل کرده است. در صحیح بخاری نیز باین دیده می شود تحت عنوان «الصراط جسر جهنم» (صحیح بخاری، جلد ۸، صفحه ۱۴۶).

حاضر می‌کنیم و (جزایش را به او می‌دهیم) و کافی است که حساب‌کننده باشیم! <sup>(۱)</sup>

«فَأَمَّا مَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ \* وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمَةٌ هَاطِيَةٌ؛ اَمَّا كَسِيٌّ كَسِيٌّ فِي رُؤْيَايَتِهِ خَوَاطِبُهَا، وَكَسِيٌّ كَسِيٌّ فِي رُؤْيَايَتِهِ سَبِيحٌ اسْتَجَابَ دَعْوَاهُ دُونَ مَا اسْتَجَابَ» <sup>(۲)</sup>

آری عقیده ما این است که نجات و رستگاری در آن جهان بستگی به اعمال انسانها دارد، نه آرزوها و پندارها، هر کس در گرو اعمال خویش است و بدون پاکی و تقوا کسی راه به جایی نمی‌برد: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ؛ هر انسانی در گرو اعمال خویش است» <sup>(۳)</sup>

این شرح کوتاهی بود از چگونگی «صراط» و «میزان» هر چند جزئیات آن برای ما معلوم نیست و همان گونه که قبلاً نیز گفته ایم چون سرای آخرت عالمی است بسیار برتر از جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، درك همه مفاهیم آن برای ما زندانیان دنیای مادی مشکل یا غیرممکن است.

\*\*\*

#### ۴۱- شفاعت در قیامت

ما معتقدیم: در قیامت پیامبران و امامان معصوم و اولیاء اللہ بعضی از گناهکاران را به اذن خدا شفاعت می‌کنند و مشمول عفو الهی

۱-سوره انبیاء، آیه ۴۷.

۲-سوره قارعه، آیات ۶ تا ۹.

۳-سوره مدثر، آیه ۳۸.

می گردند، ولی فراموش نکنیم که این اذن تنها برای کسانی است که پیوندهای خود را از خدا و اولیاء اللّه قطع نکرده باشند، بنابراین شفاعت بی قید و شرط نیست، آن نیز نوعی رابطه با اعمال و نیّات ما دارد.

«وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى؛ آنها جز برای کسی که خدا راضی به شفاعت اوست، شفاعت نمی کنند!»<sup>(۱)</sup>

و چنانکه در گذشته نیز اشاره شد «شفاعت» راهی است برای تربیت انسان و وسیله ای است برای جلوگیری از غوطه ور شدن در گناه و قطع تمام پیوندها و روابط از اولیاء اللّه به انسان می گوید اگر آلوده گناه هم شده ای، از همان جا بازگرد و بیش از این گناه مکن!

به یقین مقام «شفاعت عظمی» از آن پیامبر اسلام (ص) است و بعد از او سایر پیامبران و امامان معصوم و حتی علما و شهدا و مؤمنان عارف و کامل و از آن فراتر قرآن و اعمال صالحه نیز برای بعضی شفاعت می کنند. در حدیثی از امام صادق (ع) می خوانیم: «مَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ إِلَّا وَهُوَ يَحْتَاجُ إِلَى شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ (ص) يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هیچ کس از اولین و آخرین نیست مگر این که نیاز به شفاعت محمد (ص) در قیامت دارد!»<sup>(۲)</sup>

در حدیث دیگری در کنز العمال از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «الشُّفَعَاءُ خَمْسَةٌ: الْقُرْآنُ وَالرَّحْمُ وَالْإِمَانَةُ وَنَبِيِّكُمْ وَأَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ؛ در روز قیامت پنج شفیع وجود دارد: قرآن، صلّه رحم، امانت و پیامبر شما و اهل بیت او».<sup>(۳)</sup>

۱-سوره انبیا، آیه ۲۸.

۲-بحار، جلد ۸، صفحه ۴۲.

۳-کنز العمال، حدیث ۳۹۰۴۱ (جلد ۱۴، صفحه ۳۹۰).



در حدیث دیگری از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَعَثَ اللَّهُ الْعَالِمَ وَالْعَابِدَ، فَإِذَا وَقَفَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ قِيلَ لِلْعَابِدِ انْطَلِقْ إِلَى الْجَنَّةِ، وَقِيلَ لِلْعَالِمِ قِفْ تَشْفَعُ لِلنَّاسِ بِحَسَنِ تَأْدِيبِكَ لَهُمْ؛ رُزْقُ قِيَامَتِ كَمَا مِى شُود خدَاوند «عالم» و «عابد» رَا مبعوث مى‌کند، هنگامى که در پیشگاه خداوند متعال قرار مى‌گیرند، به «عابد» گفته مى‌شود: به سوى بهشت برو! و به عالم گفته مى‌شود: بایست و برای مردم به خاطر تربیت خوبی که نسبت به آنها داشتی شفاعت کن!»<sup>(۱)</sup>

این حدیث اشاره لطیفی نیز به فلسفه شفاعت دارد.



## ۴۲- عالم برزخ

ما معتقدیم: در میان این جهان و سرای آخرت، جهان سوّمی به نام «برزخ» است که ارواح همه انسانها پس از مرگ تا روز قیامت در آن قرار مى‌گیرند.

«وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ و پشت سر آنها (پس از مرگ) برزخی است تا روز قیامت».<sup>(۲)</sup>

البته از جزئیات آن جهان نیز آگاهی زیادی نداریم و نمی‌توانیم داشته باشیم، این قدر می‌دانیم که ارواح نیکان و صالحانی که در درجات بالا قرار دارند (مانند ارواح شهدا) در آن جهان، متنعم به نعمتهای فراوانی هستند: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ

۱- بحار، جلد ۸، صفحه ۵۶، حدیث ۶۶.

۲- سوره مؤمنون، آیه ۱۰۰.

رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ؛ هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند مردگانند، بلکه آنها زنده اند و در پیشگاه پروردگارشان منتعمند»<sup>(۱)</sup>.

و نیز ارواح ظالمان و طاغوتها و حامیان آنها در آن جهان معذبند، همان گونه که قرآن درباره فرعون و آل فرعون می گوید: «الْأَنَارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ؛ عذاب آنها (در برزخ) آتش (دوزخ) است که هر صبح و شام بر آن عرضه می شوند، و روزی که قیامت برپا شود (می فرماید) آل فرعون را داخل سخت ترین عذابها کنید!»<sup>(۲)</sup>

ولی گروه سوّمی که گناهان کمتری دارندند جزء این دسته اند و نه جزء آن دسته، و مشمول هیچ کدام از عذاب و کیفر نیستند، گویی در جهان برزخ در حالتی شبیه به خواب فرو می روند و در رستاخیز بیدار می شوند! «وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِئُوا غَيْرَ سَاعَةٍ ... وَقَالَ الَّذِينَ أَوْثُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِئْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ و روزی که قیامت برپا شود گنهکاران قسم یاد می کنند که جز ساعتی در عالم برزخ درنگ نکردند ... اما کسانی که علم و ایمان به آنها داده شده (خطاب به مجرمان) می گویند: شما به فرمان خدا تا روز قیامت (در عالم برزخ) قرار داشتید، و اکنون روز رستاخیز است ولی شما نمی دانستید!»<sup>(۳)</sup>

در روایات اسلامی نیز از پیغمبر اکرم (ص) آمده است که فرمود:

۱-سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

۲-سوره مؤمن، آیه ۴۶.

۳-سوره روم، آیه ۵۶.

«الْقَبْرِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّيِّرَانِ؛ قَبْرٌ يَابِغِي  
است از باغهای بهشت، یا حفره‌ای از حفره‌های دوزخ»<sup>(۱)</sup>.

\*\*\*

### ۴۳- پاداشهای معنوی و مادی

ما معتقدیم: پاداشهای قیامت هم جنبه مادی دارد و هم جنبه معنوی، چرا که معاد نیز هم روحانی و هم جسمانی است.

آنچه در قرآن مجید و روایات اسلامی درباره باغهای بهشتی که نهرها از زیر درختانش جاری هستند «جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»<sup>(۲)</sup> باغهایی که میوه‌های آن و سایه‌هایش جاودانی است «أَكْلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا»<sup>(۳)</sup> و برای افراد با ایمان همسران خوب بهشتی وجود دارد «وَكَزْوَاجٍ مُطَهَّرَةٍ»<sup>(۴)</sup> و مانند آن آمده است، و همچنین آنچه درباره آتش سوزان دوزخ و مجازاتهای دردناک آن دیده می‌شود، همه ناظر به جنبه‌های مادی پاداش و کیفر آن جهان است.

ولی از آن مهمتر، پاداشهای معنوی، انوار معرفت الهی و قرب روحانی پروردگار و جلوه‌های جمال و جلال اوست؛ همان لذاتی است که با هیچ زبان و بیانی، قابل توصیف نیست.

در بعضی آیات قرآن بعد از بیان بخشی از نعمتهای مادی بهشت

۱- صحیح ترمذی، جلد ۴، کتاب صفة القيامة، باب ۲۶، حدیث ۲۴۶۰، در منابع شیعه این حدیث گاه از امیرمؤمنان علی(ع) و گاه از امام علی بن الحسین(ع) نقل شده است (بحارالانوار، جلد ۶، صفحه ۲۱۴ و ۲۱۸).

۲- سوره توبه، آیه ۸۹.

۳- سوره رعد، آیه ۳۵.

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۵.

(باغهای پرطراوت و مسکنهای پاکیزه) می افزاید: «وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ؛ و رضا و خشنودی خدا از همه اینها برتر است!» و بعد می افزاید: «ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ پیروزی بزرگ همین است!»<sup>(۱)</sup> آری لذتی بالاتر از این نیست که انسان درك کند از سوی معبود و محبوب بزرگش پذیرفته شده و مشمول رضا و خشنودی و پذیرش او قرار گرفته است!

در حدیثی از امام علی بن الحسین (ع) می خوانیم: «يَقُولُ (اللَّهُ) تَبَارَكَ وَتَعَالَى رِضَايَ عَنْكُمْ وَمَحَبَّتِي لَكُمْ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ مِمَّا أَنْتُمْ فِيهِ...؛ خداوند متعال به آنها می گوید: خشنودی من از شما و محبت من نسبت به شما بهتر و برتر است از نعمتهایی که شما در آن هستید! ... آنها همگی این سخن را می شنوند و تصدیق می کنند!»<sup>(۲)</sup>

راستی چه لذتی از این بالاتر که انسان مخاطب به این خطاب شود: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً \* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \* وَأَدْخُلِي جَنَّتِي؛ تو ای روح آرام یافته! به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود، و در سلک بندگانم در آی و در بهشتم وارد شو!»<sup>(۳)</sup>



۱-سوره توبه، آیه ۷۲.

۲-تفسیر عیاشی، ذیل آیه ۷۲ سوره توبه، مطابق نقل المیزان، جلد ۹.

۳-سوره فجر، آیات ۲۷ تا ۳۰.



## مسأله امامت

### ۴۴- همیشه امامی وجود دارد

ما معتقدیم: همان گونه که حکمت خداوند ایجاب می کند پیامبرانی برای هدایت انسانها بفرستد، حکمتش ایجاب می کند که بعد از پیامبران در هر عصر و زمانی، امام و پیشوایی از سوی خدا برای هدایت انسانها وجود داشته باشد تا شرایع انبیا و ادیان الهی را از تحریف و تغییر حفظ کنند، نیازهای هر زمان را روشن سازند و مردم را به سوی خدا و عمل به آیین پیامبران دعوت نمایند، در غیر این صورت هدف آفرینش انسان که تکامل و سعادت است عقیم می ماند، بشر از راه هدایت بازمی ماند، شرایع انبیا ضایع می گردد و مردم سرگردان می شوند.

به همین دلیل معتقدیم بعد از پیامبر اسلام (ص) در هر عصر و زمانی امامی وجود داشته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و با صادقان باشید.<sup>(۱)</sup>

این آیه مخصوص به زمانی نیست و همراه بودن بی قید و شرط با

صادقان، دلیل بر این است که در هر عصری امام معصومی وجود دارد که باید از او پیروی کرد، همان گونه که بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت، در تفسیر خود به آن اشاره کرده اند.<sup>(۱)</sup>



### ۴۵- حقیقت امامت

ما معتقدیم: امامت تنها یک مقام حکومت ظاهری نیست، بلکه یک مقام بسیار والای معنوی و روحانی است، و امام علاوه بر رهبری حکومت اسلامی، هدایت همه جانبه را در امر دین و دنیا بر عهده دارد. فکر و روح مردم را هدایت کرده و شریعت پیامبر اسلام (ص) را از هر گونه تحریف و تغییر پاسداری می کند و به اهدافی که پیامبر (ص) برای آن مبعوث شد تحقق می بخشد.

این همان مقام والایی است که خداوند به ابراهیم خلیل، پس از پیمودن راه نبوت و رسالت و پیروزی در امتحانات متعدد بخشید، او نیز برای بعضی از فرزندان و دودمانش این مقام والا را از خداوند تقاضا نمود و به او جواب داده شد که هرگز ظالمان و گنهکاران به این مقام نمی رسند.

---

۱- فخر رازی بعد از بحث فراوانی درباره این آیه چنین می گوید: آیه دلیل بر این است که هر کس جایز الخطاست واجب است همگام و پیرو کسی باشد که معصوم است و معصومین همانها هستند که خداوند آنها را «صادقین» نامیده، پس این سخن دلیل بر این است که واجب است بر هر جایز الخطایی که همگام و همراه با معصوم باشد تا «معصوم از خطا» جایز الخطا را از خطا باز دارد، و این معنی در همه زمانهاست و مخصوص به زمانی نیست و دلیل بر این است که در هر زمانی معصوم از خطایی وجود دارد (تفسیر کبیر، جلد ۱۶، صفحه ۲۲۱).

«وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ؛ به یادآور هنگامی را که پروردگار ابراهیم (ع) او را با امور گوناگون آزمود، و او از عهده آزمایشهای الهی بطور کامل برآمد، خدا فرمود من تو را امام مردم قرار دادم، ابراهیم عرض کرد: از دودمان من نیز امامانی قرار ده، خداوند فرمود: پیمان من (امامت) هرگز به ستمکاران نمی رسد (و تنها نصیب معصومان از ذریه تو می شود)»<sup>(۱)</sup>

بدیهی است یک چنین مقامی در مسأله حکومت ظاهری خلاصه نمی شود، و اگر امامت به صورتی که گفته شد تفسیر نشود آیه فوق مفهوم روشنی نخواهد داشت.

ما معتقدیم: تمام پیامبران اولوالعزم دارای مقام امامت بودند، آنچه را با رسالت خود عرضه کردند، در عمل تحقق می بخشیدند، و رهبر معنوی و مادی و ظاهری و باطنی مردم بودند، مخصوصاً پیامبر اکرم (ص) از آغاز نبوتش مقام والای امامت و رهبری الهی را نیز داشت، و کار او در ابلاغ فرمانهای الهی خلاصه نمی شد.

ما معتقدیم: خط امامت بعد از پیامبر (ص) نیز در معصومان از ذریه او ادامه یافت.

با توجه به تعریفی که برای مسأله امامت در بالا آمد به خوبی معلوم می شود که رسیدن به این مقام، شرایط سنگینی دارد، هم از نظر تقوا (تقوایی در حد معصوم بودن از هر گونه گناه) و هم از نظر علم و دانش و احاطه به تمام معارف و دستورات دین و شناختن انسانها و نیازهای



آنها در هر عصر و زمان و مکان - دقت کنید.

\*\*\*

#### ۴۶- امام از گناه و خطا معصوم است

ما معتقدیم: امام باید معصوم از هر گناه و خطا باشد زیرا علاوه بر آنچه در تفسیر آیه بالا آمد، غیر معصوم نمی تواند بطور کامل مورد اعتماد واقع شود، و اصول و فروع دین را از او اخذ نمایند، و به همین دلیل معتقدیم «گفتار امام» همچون «افعال» و «تقریر» او حجت و دلیل شرعی است (منظور از «تقریر» آن است که در برابر او کاری انجام دهند و او با سکوت خود آن را امضا کند).

\*\*\*

#### ۴۷- امام پاسدار شریعت است

ما معتقدیم: امام هرگز «شریعت و قانون تازه» ای از خود نمی آورد، بلکه وظیفه او پاسداری و حفظ شریعت و آیین پیامبر اسلام (ص) و کار او تبلیغ و تعلیم و حفظ و معرفی و هدایت به سوی این آیین مقدس است.

\*\*\*

#### ۴۸- امام آگاهترین مردم به اسلام است

و نیز معتقدیم: امام باید نسبت به تمام اصول و فروع اسلام و احکام و قوانین آن و معنی و تفسیر قرآن، آگاهی کامل داشته باشد، و علم او نسبت به آن علوم جنبه الهی دارد و از پیغمبر اسلام (ص) به او می رسد. آری چنین علمی است که می تواند بطور کامل مورد اعتماد مردم

قرار گیرد و در فهم حقایق اسلام بر آن تکیه کرد.

\*\*\*

#### ۴۹- امام باید منصوص باشد

ما معتقدیم : امام (و جانشین پیامبر) باید منصوص باشد، یعنی با تصریح و نصّ پیامبر (ص) و نیز تصریح هر امامی نسبت به امام بعد، تعیین گردد، به تعبیر دیگر : امام نیز مانند پیامبر (ص) از سوی خدا (به وسیله پیامبر) تعیین می شود، همان گونه که در آیه مربوط به امامت ابراهیم خواندیم : «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا؛ من تو را امام مردم قرار دادم».

اضافه بر این تشخیص وجود تقوا در سر حدّ عصمت، و مقام علمی والا (در حدّ احاطه به تمام احکام و تعلیمات الهی بدون هیچ گونه خطا و اشتباه) چیزی نیست که غیر از خدا و پیامبرش از آن آگاه باشد. و به این ترتیب ما امامت امامان معصوم را به انتخاب مردم نمی دانیم.

\*\*\*

#### ۵۰- امامان به وسیله پیامبر (ص) تعیین شده اند

ما معتقدیم : پیامبر اسلام (ص) امامان بعد از خود را تعیین فرموده است. در یک جا بطور عموم، در حدیث معروف ثقلین فرموده است.

در صحیح مسلم می خوانیم : پیغمبر اکرم (ص) در سرزمینی میان مکه و مدینه به نام «خُمْ» برخاست، خطبه ای خواند، سپس فرمود : نزدیک است که من از میان شما بروم إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، أَوْلَهُمَا كِتَابَ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ ... وَأَهْلَ بَيْتِي، أَذْكَرَكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي؛

من دو چیز گرانمایه در میان شما به یادگار می گذارم نخستین آنها کتاب خداست که در آن، نور و هدایت است ... و اهل بیتم، به شما توصیه می کنم که خدا را درباره اهل بیتم فراموش نکنید (این جمله را سه بار تکرار کرد).<sup>(۱)</sup> همین معنی در «صحیح ترمذی» نیز آمده و با صراحت می گوید:

«اگر دست به دامن این دو بزیند هرگز گمراه نخواهید شد».<sup>(۲)</sup>

این حدیث در سنن دارمی<sup>(۳)</sup> و خصائص نسائی<sup>(۴)</sup> و مسند احمد<sup>(۵)</sup> و غالب کتب معروف و مشهور اسلامی آمده و جای تردیدی در آن نیست و در واقع جزء احادیث متواتره محسوب می شود که هیچ مسلمانی نمی تواند آن را انکار کند و از روایات استفاده می شود که پیامبر اسلام (ص) نه یک بار بلکه چندین بار در مواقع مختلف آن را تکرار فرمود.

بدیهی است که تمام اهل بیت پیامبر (ص) نمی توانند چنین مقام والایی را در کنار قرآن داشته باشند بنابراین تنها اشاره به امامان معصوم از ذریه پیامبر (ص) است (فقط در بعضی از احادیث ضعیف و مشکوک به جای اهل بیتی، سستی آمده است).

ما به حدیث مشهور دیگری که در منابع معروف مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم، صحیح ترمذی، صحیح ابی داود و مسند حنبل

۱- صحیح مسلم، جلد ۴، صفحه ۱۸۷۳.

۲- صحیح ترمذی، جلد ۵، صفحه ۶۶۲.

۳- سنن دارمی، جلد ۲، صفحه ۴۳۲.

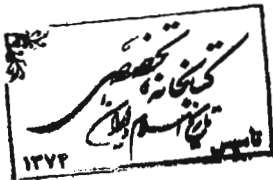
۴- خصائص نسائی، صفحه ۲۰.

۵- مسند احمد، جلد ۵، صفحه ۱۸۲ و کتاب کنز العمال، جلد ۱، صفحه ۱۸۵.

و کتب دیگر آمده است نیز استناد می‌کنیم، پیغمبر اکرم (ص) فرمود: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَتَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ؛ دین اسلام برپاست تا قیام قیامت و تا این که دوازده خلیفه بر شما حکومت کنند که همه از قریشند»<sup>(۱)</sup>.

ما معتقدیم: تفسیر قابل قبولی برای این روایات جز آنچه در عقاید شیعه امامیه مربوط به ائمه دوازده گانه آمده است تصور نمی‌شود، فکر کنید آیا تفسیر دیگری می‌تواند داشته باشد!

\*\*\*



### ۵۱- نصب علی (ع) از سوی پیامبر (ص)

ما معتقدیم: پیامبر اسلام (ص) در موارد متعدّد علی (ع) را بالخصوص به عنوان جانشین خود (به فرمان خداوند) معرفی کرده است، از جمله در غدیر خم (منزلگامی نزدیک جحفه) به هنگام بازگشت از حجة الوداع در میان جمع عظیمی از اصحابش خطبه خواند و جمله معروف: «أَيُّهَا النَّاسُ أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ قَالُوا بَلَىٰ، قَالَ: فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ؛ ای مردم آیا من نسبت به شما از خود شما سزاوارتر نیستم؟ گفتند: آری! فرمود: کسی که من مولی و رهبر و سزاوارتر به او هستم، علی (ع) مولی و رهبر و سزاوارتر به اوست»<sup>(۲)</sup>.

۱- این تعبیر در صحیح مسلم، جلد ۳، صفحه ۱۴۵۳ از «جابر بن سمره» از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است و با تفاوت مختصری در سایر کتابهایی که در بالا نام برده شد آمده است (صحیح بخاری، جلد ۳، صفحه ۱۰۱؛ صحیح ترمذی، جلد ۴، صفحه ۵۰۱ و صحیح ابی داود، جلد ۴، کتاب المهدی).

۲- این حدیث به طرق متعدّد از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است و تعداد روایات حدیث

چون هدف این نیست که در بیان این اعتقادات زیاد به سراغ استدلالات برویم و پافشاری و جرّ و بحث داشته باشیم، همین اندازه می‌گوییم حدیث مزبور چیزی نیست که به سادگی بتوان از کنار آن گذشت و یا آن را به عنوان بیان یک دوستی و محبت ساده تفسیر نمود که پیامبر اسلام (ص) با آن تشریفات و تأکیدات بیان کرده باشد.

آیا این همان چیزی نیست که مطابق گفته ابن اثیر در کامل، پیامبر (ص) در آغاز کارش، هنگامی که آیه «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» نازل شد، خویشان خود را جمع نمود و اسلام را بر آنها عرضه داشت، سپس فرمود: «أَيُّكُمْ يُؤَاوِرُنِي عَلَىٰ هَذَا الْأَمْرِ عَلَيَّ أَنْ يَكُونَ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ؛ کدام یک از شما مرا در این کار یاری می‌کند تا برادر من و وصی و خلیفه من در میان شما باشد».

هیچ کس به دعوت پیامبر (ص) پاسخ نگفت جز علی (ع) که عرض کرد: «أَنَا يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَكُونُ وَ زَيْرَكَ عَلَيْهِ؛ من ای پیامبر وزیر و یاور تو در این کار خواهم بود!»

پیامبر (ص) به او اشاره کرد و فرمود: «إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ؛ این نوجوان برادر من، وصی من و خلیفه من در میان شماست».<sup>(۱)</sup>

◀ بالغ بر ۱۱۰ نفر از صحابه و ۸۴ نفر از تابعین و در ۳۶۰ کتاب معروف اسلامی آمده است که شرح آنها در این مختصر نمی‌گنجد. (به جلد ۹ پیام قرآن، صفحه ۱۸۱ به بعد مراجعه فرمایید).

۱- کامل ابن اثیر، جلد ۲، صفحه ۶۳، چاپ بیروت، دارصادر- همین معنی را با مختصر تفاوتی در مسند احمد حنبل، جلد ۱، صفحه ۱۱، و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، جلد ۱۳، صفحه ۲۱۰ و دیگران در کتب دیگر نقل کرده‌اند.

و آیا این همان نیست که پیامبر (ص) در آخرین ساعات عمرش می خواست بار دیگر آن را بیان کند و بر آن تأکید نهد و به گفته صحیح بخاری دستور داد: «ایثونى اکتب لکم کتاباً لئن تَضَلُّوا بَعْدَهُ اَبَدًا؛ وسیله ای بیاورید تا نامه ای بنویسم که در پرتو آن هرگز گمراه نشوید!» و در ادامه حدیث آمده است که بعضی به مخالفت با پیامبر (ص) در این زمینه پرداختند و حتی سخن بسیار توهین آمیزی گفتند و مانع شدند.<sup>(۱)</sup>

باز تکرار می کنیم هدف ذکر عقاید با مختصری استدلال است، نه بیشتر از آن و گرنه بحثها شکل دیگری داشت.



## ۵۲- تأکید هر امام بر امام بعد از خود

ما معتقدیم: هر یک از امامان دوازده گانه به وسیله امام قبل تأکید شده اند که نخستین آنها علی بن ابی طالب (ع)، سپس فرزندش امام حسن مجتبی (ع)، سپس فرزند دیگرش حسین بن علی سید الشهداء (ع) و بعد فرزندش علی بن الحسین (ع) و سپس فرزندش محمد بن علی الباقر (ع)، و بعد فرزندش جعفر بن محمد الصادق (ع) و سپس فرزندش موسی بن جعفر (ع) و سپس فرزندش علی بن موسی الرضا (ع) و بعد فرزندش محمد بن علی التقی (ع) و سپس علی بن محمد النقی (ع) و بعد حسن بن علی العسکری (ع) و آخرین آنها محمد بن الحسن المهدی - سلام الله علیهم - است و ما معتقدیم او هم اکنون زنده می باشد.

۱- این حدیث را بخاری در جزء پنجم، صفحه ۱۱ باب «مرض النبی» نقل کرده، و از آن روستر، صحیح مسلم در جلد ۳، صفحه ۱۲۵۹ ذکر کرده است.

البته اعتقاد به وجود مهدی-عج- کسی که دنیا را پر از عدل و داد می‌کند، آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد، مخصوص ما نیست بلکه تمام مسلمین به آن عقیده دارند و بعضی از علمای اهل سنت دربارهٔ متواتر بودن روایات مهدی-عج- کتاب مستقل نوشته اند؛ حتی در رساله ای که چند سال قبل از طرف «رابطة العالم الاسلامی» در پاسخ سؤالی که دربارهٔ حضرت مهدی-عج- شده بود ضمن تأکید بر مسلم بودن ظهور مهدی-عج- اسناد فراوانی از کتب معروف و معتبر دربارهٔ حضرت مهدی-عج- از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده است؛<sup>(۱)</sup> منتهی بسیاری از آنان معتقدند که مهدی-عج- در آخر الزمان متولد می‌شود. ولی ما عقیده داریم او دوازدهمین امام و هم اکنون زنده است و در زمانی که خداوند به او مأموریت دهد، برای پیراستن صفحهٔ زمین از ظلم و جور و اقامهٔ حکومت عدل الهی قیام می‌کند.



### ۵۳- علی (ع) افضل صحابه بود

ما معتقدیم: علی (ع) افضل صحابه بوده است و بعد از پیامبر اسلام (ص) مقام نخستین را در امت اسلامی داشت، ولی با این حال هر گونه غلو و زیاده روی را در این زمینه حرام می‌دانیم و معتقدیم آنها که برای علی (ع) مقام الوهیت و خدایی یا چیزی شبیه آن قائل باشند، کافرند و از زمرهٔ مسلمین بیرونند، و ما از اعتقادات آنها بیزاریم، هر

۱- این نامه در ۲۴ شوال ۱۳۹۶ از «رابطة العالم الاسلامی» به امضای مدیر «ادارة مجمع الفقه الاسلامی» محمدالمتنصر الکتانی صادر شده است.

چند متأسفانه آمیختگی نام آنها با نام شیعه، گاه سبب اشتباهاتی در این زمینه شده است، در حالی که همیشه علمای شیعه امامیه در کتابهای خود، این گروه را بیگانه از اسلام شمرده اند.



### ۵۴- صحابه در برابر داوری عقل و تاریخ

ما معتقدیم: در میان یاران پیامبر (ص) افراد بزرگ و فداکار و با شخصیتی بودند و قرآن و روایات اسلامی در فضیلت آنان، بحث فراوانی دارد، ولی این به آن معنی نیست که همه اصحاب پیامبر را معصوم بدانیم و اعمال آنها را بدون استثناء صحیح بشمریم، چرا که قرآن در آیات زیادی (آیات سوره براءت، سوره نور و سوره منافقین) از منافقانی سخن می گوید که در لابه لای اصحاب پیامبر (ص) بودند، در ظاهر جزء آنها محسوب می شدند، در حالی که آیات قرآن شدیدترین مذمتها را از آنها نموده است. و از سوی دیگر کسانی بودند که بعد از پیامبر (ص) آتش جنگ در میان مسلمین روشن کردند و بیعت خود را با امام و خلیفه وقت شکستند، و خون دهها هزار مسلمان را ریختند، آیا ما می توانیم همه این افراد را از هر نظر پاک و منزّه بشمریم؟!

به تعبیر دیگر چگونه می توان هر دو طرف نزاع و جنگ (مثلاً جنگ جمل و صفین) را درستکار و منزّه دانست؟ این تضادی است که برای ما قابل قبول نیست و آنها که موضوع «اجتهاد» را برای توجیه این مسائل کافی می دانند که بگویند یکی از دو طرف بر حق بوده، و دیگری خطاکار، اما چون به اجتهاد خود عمل می کرده است، نزد خداوند



معذور، بلکه دارای ثواب است! - برای ما پذیرفتن این سخن مشکل است.

چگونه می توان به بهانه اجتهاد، بیعت با جانشین پیامبر (ص) را شکست، و سپس آتش جنگ را روشن کرد و خون بی گناهان را ریخت، اگر این همه خونریزی با توسل به اجتهاد قابل توجیه باشد چه کاری قابل توجیه نیست!

صریحتر بگوییم، ما معتقدیم: همه انسانها حتی یاران پیامبر (ص) در گرو اعمال خویشند، و اصل قرآنی «إِنْ أَحْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَقِيمُ؛ گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست»<sup>(۱)</sup> درباره آنها نیز صادق است. بنابراین باید وضع آنها را با عملشان روشن سازیم و به این صورت یک قضاوت منطقی درباره همه آنان داشته باشیم و بگوییم: آنها که در عصر پیامبر (ص) در صف اصحاب مخلص بودند و بعد از پیامبر (ص) نیز برای پاسداری از اسلام کوشیدند، و به پیمانی که با قرآن داشتند وفادار ماندند آنها را خوب می دانیم و به آنها احترام می گذاریم.

و آنها که در زمان آن حضرت در صف منافقان بودند و کارهایی کردند که قلب مبارك پیامبر (ص) را آزرده ساختند، و یا بعد از رحلت پیامبر (ص) مسیر خود را تغییر داده کارهایی انجام دادند که به ضرر اسلام و مسلمین تمام شد، آنها را دوست نداریم. قرآن مجید می گوید: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ؛ هیچ قومی را که ایمان به خدا

و روز رستاخیز دارند نمی یابی که با کسانی که نافرمانی خدا و رسولش را کردند دوستی کنند هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندان آنها باشند، آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل‌هایشان نوشته است»<sup>(۱)</sup>.

آری آنها که در زمان حیات پیامبر (ص) یا بعد از رحلت او، پیامبر (ص) را آزار دادند به اعتقاد ما شایسته ستایش نیستند .

ولی نباید فراموش کرد که جمعی از یاران پیامبر (ص) بزرگترین مجاهدتها را در راه پیشرفت اسلام نمودند و از سوی خداوند مورد مدح و ستایش قرار گرفتند، همچنین کسانی که بعد از آنها روی کار آمدند یا در آینده تا پایان دنیا متولد می شوند چنانچه راه اصحاب راستین و خطّ و برنامه آنها را ادامه دهند شایان هر گونه مدح و ثنا هستند «الْبَائِقُونَ الْأَوْلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ؛ پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که به نیکیها از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود شد و آنها از خداوند خشنودند»<sup>(۲)</sup>.

این عصاره عقیده ما درباره صحابه پیامبر اسلام (ص) است .



۱-سوره مجادله، آیه ۲۲ .

۲-سوره توبه، آیه ۱۰۰ .

### ۵۵- علوم ائمه اهل بیت (ع) از پیامبر (ص) است

ما معتقدیم: با توجه به دستوری که پیامبر (ص) طبق روایات متواتره درباره قرآن و اهل بیت - علیهم السلام - به ما داده است که دست از دامان این دو برداریم تا هدایت شویم و نیز با توجه به این که ما، امامان اهل بیت - علیهم السلام - را معصوم می دانیم همه سخنان آنها و اعمالشان برای ما حجت و سند است، و همچنین تقریرشان (یعنی در حضور آنها کاری انجام شود و آنها نهی نکنند)، بنابراین یکی از منابع فقهی ما بعد از قرآن و سنت پیامبر (ص)، قول و فعل و تقریر امامان اهل بیت - علیهم السلام - است.

و هرگاه به این نکته توجه کنیم که طبق روایات متعدد و معتبر، امامان اهل بیت - علیهم السلام - فرموده اند: آنچه را می گویند از پدران خود، از پیامبر اکرم (ص) نقل می کنند روشن می شود که در واقع روایات آنان روایات پیامبر است. و می دانیم روایات شخص ثقه و مورد اعتماد از پیامبر (ص) در میان تمام علمای اسلام مورد قبول است.

امام محمد بن علی الباقر (ع) به «جابر» فرمود: «یا جابر! انا لو کُنَّا نُحَدِّثُکُمْ بِرَأْسِنَا وَ هَوَانَا لَکُنَّا مِنَ الْهَالِکِیْنَ، وَ لَکِنَّا نُحَدِّثُکُمْ بِأَحَادِیثٍ نَخْرُجُهَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؛ ای جابر! اگر ما حدیثی به رأی خویش و هوای نفس خود برای شما بیان کنیم از هلاک شدگان خواهیم بود؛ ولی ما احادیثی برای شما نقل می کنیم که به صورت گنجینه ای از رسول خدا (ص) برای شما اندوخته ایم.»<sup>(۱)</sup>

در حدیث دیگری از امام جعفر بن محمد الصادق (ع) می خوانیم: کسی سؤالی از آن امام نمود، حضرت جواب گفت. آن مرد برای تغییر دادن نظر مبارك امام به بحث و گفتگو پرداخت، امام صادق (ع) فرمود: این سخنها را رها کن! «ما اجبتك فيه من شيء فهو عن رسول الله؛ هر جوابی درباره چیزی به تو دادم از پیامبر (ص) است (و جای گفتگو ندارد)». <sup>(۱)</sup>

نکته مهم و قابل توجه این که ما منابع معتبری در حدیث مانند «کافی» و «تهذیب» و «استبصار» و «من لا یحضره الفقیه» و غیر آنها داریم، ولی معتبر بودن این منابع از نظر ما به این معنی نیست که هر روایتی در آنهاست، از نظر ما مورد قبول است؛ ما در کنار روایات، کتب رجال داریم که وضع روایان اخبار در تمام سلسله سندها در آنها تبیین شده است، روایتی از نظر ما مورد قبول است که تمام افراد در سلسله سند حدیث، اشخاص ثقه و مورد اطمینان باشند. بنابراین روایاتی که در این کتب معروف و معتبر است اگر واجد این شرط نباشد از نظر ما قابل اعتماد نیست.

اضافه بر این، ممکن است روایتی باشد که سلسله سند آن نیز معتبر باشد، ولی علما و فقهای بزرگ ما از آغاز تاکنون، آن را نادیده گرفته و از آن اعراض کرده اند؛ زیرا خللهای دیگری در آن یافته اند؛ ما این روایت را «مُعْرَضُ عَنْهَا» می نامیم و از نظر ما فاقد اعتبار است.

از این جا روشن می شود کسانی که برای پی بردن به عقیده ما تنها به وجود روایت یا روایاتی که در بعضی از این کتب آمده استناد می کنند

بی آن که تحقیق دربارهٔ سند این روایات کرده باشند، راه صحیحی را نمی‌پیمایند.

به تعبیر دیگر در میان بعضی از مذاهب معروف اسلامی، کتابهایی وجود دارد به نام «صحاح» که صحّت روایات آنها از نظر نویسندگانش تضمین شده و دیگران نیز بر آن صحّه می‌گذارند؛ ولی کتب معتبر نزد ما چنین نیست؛ بلکه کتابهایی است که صاحبانش شخصیت‌های برجسته و مورد اعتماد هستند، اما صحّت سند روایات این کتب، موکول به بررسی رجال سند در کتب علم رجال می‌باشد.

توجه به نکته‌ای که گفته شد می‌تواند به بسیاری از سؤالاتی که در مورد عقاید ما وجود دارد پاسخ دهد، همان‌گونه که غفلت از آن منشأ اشتباهات فراوانی در تشخیص عقاید ما می‌شود.

به هر حال بعد از آیات قرآن مجید و روایات پیامبر(ص)، احادیث امامان دوازده گانهٔ اهل بیت - علیهم السلام - از نظر ما معتبر است، به شرط این که صدور این احادیث از امامان - علیهم السلام - از طریق معتبر معلوم شود.



## مسائل گوناگون

گذشته از بحثهایی که در فصول پیشین آمد که اصول اعتقادات ما را در مباحث اساسی دین اسلام روشن می سازد، ویژگیهای دیگری در اعتقادات ماست که در این فصل مطرح می شود.

\*\*\*

### ۵۶- مسأله حسن و قبح عقلی

ما معتقدیم: عقل انسان خوبی و بدی و حسن و قبح بسیاری از اشیاء را درک می کند، و این به برکت نیروی معرفت خوب و بد است که خدا به انسان بخشیده. بنابراین حتی قبل از نزول شرایع آسمانی، بخشی از مسائل به وسیله عقل بر انسان روشن بوده است، خوبی عدالت و نیکوکاری، بدی ظلم و بیدادگری، و خوبی بسیاری از صفات اخلاقی مانند «راستگویی»، «امانت»، «شجاعت»، «سخاوت» و امثال آن، و همچنین بدی «دروغ» و «خیانت» و «بخل» و مانند آن، همه از مسائلی است که عقل آنها را درک می کند، ولی از آن جا که عقل قادر به درک حسن و قبح همه اشیاء نیست و معلومات انسان در هر حال محدود

است، ادیان الهی و کتب آسمانی و پیامبران برای تکمیل این امر از سوی خداوند مبعوث شدند تا هم بر ادراکات عقلی تأکید کنند و هم زوایای تاریکی را که عقل از درک آن عاجز بوده بر او روشن سازند.

اگر ما استقلال عقل را در تشخیص حقایق بکلی انکار کنیم، مسأله توحید و خداشناسی و بعثت انبیاء و ادیان آسمانی از میان خواهد رفت، زیرا اثبات وجود خدا و حقانیت دعوت انبیا، جز از طریق عقل امکان پذیر نیست. بدیهی است بیانات شرع در صورتی قابل قبول است که این دو اصل (توحید- نبوت) قبلاً با دلیل عقل ثابت شود؛ و اثبات این دو موضوع تنها به دلیل شرع غیر ممکن است.



## ۵۷- عدل الهی

به همین دلیل ما معتقد به عدل الهی هستیم و می‌گوییم محال است خداوند بر بندگان ظلم کند، بی دلیل کسی را مجازات و یا بی دلیل عفو نماید، محال است به وعده‌های خود وفا نکند، و محال است شخص ناصالح و خطاکاری را به مقام نبوت و رسالت از سوی خویش منصوب نماید، و معجزاتی در اختیار او بگذارد.

و نیز محال است بندگان را که برای پیمودن راه سعادت آفریده است بدون راهنما و رهبر بگذارد، چرا که همه این کارها زشت و قبیح است، و بر خداوند متعال زشت و قبیح روانیست.



## ۵۸- آزادی انسان

و باز به همین دلیل معتقدیم که خدا انسان را آزاد آفریده است. افعال انسان از روی اراده و اختیار او سرچشمه می‌گیرد، چرا که اگر غیر این باشد یعنی ما معتقد به اصل جبر در اعمال انسانها بوده باشیم، مجازات بدکاران ظلم و بی‌عدالتی واضح، و پاداش نیکوکاران، کاری بیهوده و بی‌دلیل خواهد بود، و چنین امری بر خداوند محال است.

کوتاه سخن این که: قبول حسن و قبح عقلی و استقلال فکر و خرد انسان در تشخیص بسیاری از حقایق، پایه اصلی دین و شریعت و قبول نبوت انبیا و کتب آسمانی است؛ ولی همان گونه که گفته شد درک و آگاهی انسان محدود است، و تنها به وسیله آن نمی‌تواند تمام حقایقی را که مربوط به سعادت و تکامل اوست دریابد، و به همین دلیل نیاز به بعثت انبیا و کتب آسمانی دارد.



## ۵۹- یکی از منابع فقه، دلیل عقل است

با توجه به آنچه گفته شد ما معتقدیم که یکی از منابع اصلی دین اسلام، دلیل عقل است، و منظور از دلیل عقل در اینجا این است که عقل بطور قطع و یقین چیزی را درک کند و درباره آن داوری نماید؛ مثلاً اگر (فرضاً) هیچ دلیلی در کتاب و سنت برای حرام بودن ظلم و خیانت و دروغ و قتل نفس و سرقت اموال و تجاوز به حقوق مردم نداشتیم، ما به وسیله دلیل عقل این امور را تحریم می‌کردیم، و یقین داشتیم خداوند



عالم و حکیم، این امور را برای ما حرام شمرده، و هرگز راضی به انجام آنها نیست، و این یک حجّت الهی بر ما بود.

آیات قرآن پر است از تعبیراتی که همه بیانگر اهمیت عقل و دلایل عقلی است.

برای پویدن راه توحید، قرآن ارباب عقل و خرد را دعوت به مطالعه آیات الهی در زمین و آسمان می کند: «ان فی خلق السموات والأرض واختلاف الليل والنهار لآيات لأولى الألباب»<sup>(۱)</sup>.

از سوی دیگر، هدف از بیان آیات الهی را افزایش فهم و عقل انسانها می شمرد: «أنظر كيف نصرف الآيات لعلهم يفقهون؛ بنگر چگونه آیات را با تعبیرات گوناگون بیان می کنیم تا بفهمند»<sup>(۲)</sup>.

و از سوی سوم؟ همه انسانها را دعوت به تمیز نیکها از بدیها و به کار انداختن نیروی تفکر در این راه می کند، و می گوید: «قل هل يستوی الأعمى والبصير أفلا تتفكرون؛ بگو: آیا نابینا و بینا (نادان و دانا) یکسانند، آیا فکر نمی کنید!»<sup>(۳)</sup>

و بالاخره بدترین جنبندگان عالم را کسانی می شمرد که چشم و گوش و زبان خود را به کار نمی اندازند و از نیروی عقل و خرد استفاده نمی کنند: «ان شرّ الدواب عند الله الصم البكم الذين لا يعقلون؛ بدترین جنبندگان نزد خدا افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی کنند»<sup>(۴)</sup> ... و آیات

۱-سوره آل عمران، آیه ۱۹۰.

۲-سوره انعام، آیه ۶۵.

۳-سوره انعام، آیه ۵۰.

۴-سوره انفال، آیه ۲۲.

فراوان دیگر.

با این حال چگونه می توان نیروی عقل و خرد و تفکر را در اصول و فروع اسلام نادیده گرفت.



### ۶۰- باز هم عدل الهی

همان گونه که اشاره شد ما معتقد به عدل الهی هستیم و یقین داریم که هرگز خداوند ستمی به بنده ای از بندگان روا نمی دارد، چرا که ظلم کار زشت و ناپسندی است، و ساحت قدس الهی از چنین کاری پاک و منزّه است: «وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا»؛ پروردگارت به احدی ظلم نمی کند.<sup>(۱)</sup>

اگر مجازاتهایی در دنیا و آخرت دامن افرادی را می گیرد، سبب اصلی آن خودشان هستند «فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»؛ خداوند به آنها (اقوام پیشین که گرفتار عذاب الهی شدند) ستم نکرد، آنها خودشان بر خویشان ستم می کردند!<sup>(۲)</sup>

نه فقط انسانها بلکه هیچ موجودی در جهان از سوی خداوند مورد ستم قرار نمی گیرد «وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ»؛ خداوند هیچ گاه ستمی بر جهانیان نمی خواهد<sup>(۳)</sup> - البته تمام این آیات تأکید و ارشاد به سوی حکم عقل است.

۱-سوره کهف، آیه ۴۹.

۲-سوره توبه، آیه ۷۰.

۳-سوره آل عمران، آیه ۱۰۸.

## نقی تکلیف ما لا یطاق

به همین دلیل ما معتقدیم: هرگز خداوند تکلیف ما لا یطاق (کاری که از توان انسان بیرون باشد) نمی کند «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»<sup>(۱)</sup>.

\*\*\*

## ۶۱- فلسفه حوادث دردناک

و نیز به همین دلیل معتقدیم حوادث دردناکی که در این جهان صورت می گیرد (از قبیل زلزله ها و آفات و بلاها، گاه جنبه مجازات الهی دارد آن گونه که درباره قوم لوط آمده است: «فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ؛ هنگامی که فرمان ما (دائر بر عذاب) فرارسید، شهرهای آنها را زیر و رو کردیم و بارانی از سنگهای متراکم بر آنان فرو فرستادیم»<sup>(۲)</sup>.

درباره مردم ناسپاس و طغیانگر «سبا» می فرماید: «فَاعْرَوْضُوا فَارْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ؛ آنها (از اطاعت خدا) روی گرداندند و ما سیل ویرانگر را بر آنها فرستادیم».

بخش دیگری از این حوادث، برای بیدار کردن انسانهاست تا به راه حق باز گردند: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ فساد و تباهی در خشکی و دریاها به خاطر کارهایی که مردم انجام داده اند آشکار گشت؛ خدا می خواهد

۱-سوره بقره، آیه ۲۸۶.

۲-سوره هود، آیه ۸۲.

نتیجه پاره ای از اعمال آنها را به آنها بچشانند شاید باز گردند!»<sup>(۱)</sup> پس این بخش از حوادث دردناک در واقع لطف الهی است.

بخش دیگر، مصائبی است که انسان با دست خویش برای خود فراهم می سازد و به تعبیر دیگر نتیجه نداتم کاریهای خود اوست: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ خداوند آنچه را مردم دارند تغییر نمی دهد مگر این که آنها خودشان را تغییر دهند».<sup>(۲)</sup>

«مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ؛ آنچه از نیکیها و پیروزیها به تو می رسد از ناحیه خداست (و به کمک اوست) و آنچه از بدیها و مشکلات دامنگیر تو می شود، از سوی خود توست!»<sup>(۳)</sup>

\*\*\*

## ۶۲- عالم هستی نظام احسن است

ما معتقدیم: جهان آفرینش صحنه نظام احسن است، یعنی نظم موجود عالم شایسته ترین نظم است که می تواند بر جهان حکمفرما باشد، همه چیز روی حساب است و هیچ گونه مطلبی بر خلاف حق و عدالت و نیکی در آن وجود ندارد، و اگر بدیها در جامعه انسانی دیده می شود از ناحیه خود آنهاست.

تکرار می کنیم ما معتقدیم: عدل الهی یکی از پایه های اصلی جهان بینی اسلامی است، و بدون آن مسأله توحید و نبوت و معاد نیز به خطر

۱-سوره روم، آیه ۴۱.

۲-سوره رعد، آیه ۱۱.

۳-سوره نساء، آیه ۷۹.

می افتد - دقت کنید .

در حدیثی می خوانیم که امام صادق (ع) پس از این که تأیید فرمود: «انَّ اَسَاسَ الدِّينِ التَّوْحِيدُ وَالْعَدْلُ؛ پایه و اساس دین توحید و عدالت است»، افزود: «أَمَّا التَّوْحِيدُ فَأَنَّ لَا تُجَوِّزُ عَلَيَّ رَبِّكَ مَا جَازَ عَلَيَّكَ، وَأَمَّا الْعَدْلُ فَأَنَّ لَا تُنْسِبَ إِلَيَّ خَالِقِكَ مَا لَمْ يَكَمْ عَلَيْهِ؛ توحید آن است که آنچه بر تو رواست، بر خدا روا نداری (و او را از تمام صفات ممکنات پاک و منزّه بشمری) و اما عدل آن است که عملی را به خدا نسبت ندهی که اگر آن را خودت انجام می دهی، تو را به خاطر آن ملامت می کند» - دقت کنید.<sup>(۱)</sup>

### ۶۳ - منابع چهارگانه فقه

منابع فقهی ما همان گونه که در گذشته نیز اشاره شد، چهار چیز است:

نخست «کتاب الله» قرآن مجید است که سند اصلی معارف و احکام اسلام می باشد.

دوم سنت پیامبر (ص) و «امامان معصوم» اهل بیت - علیهم السلام . سوم اجماع و اتفاق علما و فقهاست که کاشف از نظر معصوم باشد. و چهارم دلیل عقل است و منظور از دلیل عقل، دلیل عقل قطعی است؛ و اما دلیل عقل ظنی مانند «قیاس» و «استحسان» در هیچ یک از مسائل فقهی نزد ما قابل قبول نیست؛ بنابراین هرگاه فقیه با گمان خویش مصلحتی را در چیزی ببیند که در کتاب و سنت حکم آن به خصوص وارد نشده است، نمی تواند آن را به عنوان یک حکم الهی

معرفی کند، و همچنین پناه بردن به قیاسهای ظنی و امثال آن برای کشف احکام شرع نزد ما جایز نیست؛ اما در مواردی که انسان یقین پیدا کند مانند یقین به زشتی ظلم و دروغ و سرقت و خیانت، این حکم عقل معتبر است و به مقتضای «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» بیانگر حکم شرع است.

حقیقت این است که ما درباره احکام مورد نیاز مکلفین در امور عبادی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، به اندازه کافی روایات از پیغمبر اکرم (ص) و ائمه معصومین - علیهم السلام - در دست داریم، و نیازی به پناه بردن به این گونه «ادله ظنیّه» نمی بینیم؛ حتی معتقدیم برای کشف احکام در «مسائل مستحدثه» یعنی مسائلی که با گذشت زمان در زندگی بشر وارد شده، اصول و کلیاتی در کتاب و سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین - علیهم السلام - وارد شده که ما را از توسل به این گونه دلایل ظنی بی نیاز می کند، یعنی با رجوع به همان کلیات احکام، مسائل مستحدثه کشف می شود (توضیح این سخن از حوصله این بحث فشرده بیرون است).<sup>(۱)</sup>



## ۶۴- باب اجتهاد دائماً مفتوح است

ما معتقدیم: باب اجتهاد در تمام مسائل شرع باز است، و همه فقهای صاحب نظر می توانند احکام الهی را از منابع چهارگانه فوق استنباط کرده و در اختیار کسانی که قدرت استنباط ندارند بگذارند، هر

۱- در کتاب «المسائل المستحدثه» این مطلب را مشروحاً بیان کرده ایم.

چند نظر اتشان با فقهای پیشین تفاوت‌هایی داشته باشد و معتقدیم افرادی که در فقه صاحب نظر نیستند، همیشه باید به فقهای زنده که آگاه به مسائل زمان و مکان هستند مراجعه کنند و به اصطلاح از آنها تقلید کنند و مراجعه افراد ناآگاه را به متخصصان در فقه از بدیهیات می‌دانیم. ما این «فقها» را «مرجع تقلید» می‌نامیم، به این ترتیب تقلید ابتدایی از فقیه میّت را جایز نمی‌دانیم؛ حتماً باید مردم از فقهای زنده تقلید کنند تا دائماً فقه در حرکت و تکامل باشد.



### ۶۵- خلاّ قانونی وجود ندارد

ما معتقدیم: که خلاّ قانونی در اسلام وجود ندارد، یعنی تمام احکام مورد نیاز انسانها تا دامنۀ قیامت در اسلام بیان شده، گاه به صورت خاص و گاه در ضمن یک حکم کلی و عام، و به همین دلیل برای فقها حقّ قانونگذاری قائل نیستیم، بلکه آنها را موظّف می‌دانیم که احکام الهی را از منابع چهارگانه فوق استخراج کنند و در اختیار همگان بگذارند، مگر قرآن مجید در سوره مائده که آخرین یا از آخرین سوره‌هایی است که بر پیامبر (ص) نازل شده نمی‌گوید: «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را آیین شما پذیرفتم.»<sup>(۱)</sup> چگونه آیین اسلام می‌تواند کامل باشد بی آن که احکام فقهی کامل برای همه اعصار و قرون داشته باشد؟!

مگر در حدیث معروف پیامبر (ص) نمی خوانیم که در حجة الوداع فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ وَاللَّهِ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرَّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَيُبَاعِدُكُمْ عَنِ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ، وَمَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرَّبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَيُبَاعِدُكُمْ عَنِ الْجَنَّةِ إِلَّا وَقَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ؛ أَي مَرْدَم! هَر چِيزی شَمَا رَا بَه بَهْشْت نَزْدِیك كَنْد وَاز آتَش دُوَزَخ دُور سَازد، شَمَا رَا بَه آن دَسْتُور دَادَم و هَر چِيزی كِه شَمَا رَا بَه آتَش دُوَزَخ نَزْدِیك سَازد وَاز بَهْشْت دُور نَمَاید شَمَا رَا اَز آن نَهی كَرْدَم.»<sup>(۱)</sup>

در حدیث معروف دیگری از امام صادق (ع) می خوانیم: «مَا تَرَكَ عَلِيٌّ (ع) شَيْئًا إِلَّا كَتَبَهُ حَتَّى أَرَشَ الْخَدَشِ؛ عَلِيٌّ (ع) چِيزی اَز احْكَامِ اسْلَام رَا فَرُو كُذَار نَكْرَد مَگر اَيْن كِه (بِه دَسْتُورِ پِیامبر - ص - وَا مَلایِ آن حَضْرَت) آن رَا نُوشت، حَتَّى دِیْهَ یَك خِرَاشِ كُوچَك (كِه بَر بَدَنِ انْسانِی وَا رَد می شُود).»<sup>(۲)</sup>

با این حال نوبتی به ادله ظنیه و قیاس و استحسان نمی رسد.



## ۶۶- تقیه و فلسفه آن

ما معتقدیم: هرگاه انسانی در میان افراد متعصب و لجوج و بی منطق گرفتار شود که اظهار عقیده در میان آنان، سبب خطر جانی یا مانند آن گردد و از این اظهار عقیده فایده مهمی حاصل نشود، در چنین

۱- اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۷۴، بحار الانوار، جلد ۶۷، صفحه ۹۶.

۲- جامع الاحادیث، جلد اول، صفحه ۱۸، حدیث ۱۲۷ (احادیث متعدد دیگری نیز در همان کتاب در این زمینه وارد شده است).



موردی موظف است عقیده خود را مکتوم دارد، و جان خود را بیهوده بر باد نهد، و نام این کار را «تقیّه» می‌گذاریم و این مسأله را از دو آیه در قرآن مجید و دلیل عقل آموخته ایم.

قرآن درباره مؤمن آل فرعون می‌فرماید: «وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ؛ مرد با ایمانی از آل فرعون که ایمان خود را کتمان می‌کرد (در مقام دفاع از موسی برآمد و) گفت: آیا می‌خواهید کسی را به قتل برسانید که می‌گوید: پروردگار من خداست، در حالی که دلایل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آورده است!»<sup>(۱)</sup>

جمله «يَكْتُمُ إِيمَانَهُ» صراحت در مسأله تقیه دارد، آیا سزاوار بود مؤمن آل فرعون ایمان خود را آشکار کند و جان خود را از دست بدهد و کاری از پیش نبرد؟

و درباره بعضی از مؤمنان مبارز و مجاهد صدر اسلام که در چنگال مشرکان لجوج گرفتار شدند دستور تقیه می‌دهد و می‌فرماید: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً؛ افراد با ایمان نباید غیر از مؤمنان، کسی را از کافران، دوست و ولی خود قرار دهند، هر کس چنین کند رابطه خود را از خدا بریده است مگر این که (شما در خطر باشید و) از آنها تقیه کنید.»<sup>(۲)</sup>

بنابراین «تقیّه» یعنی کتمان عقیده، مخصوص جایی است که جان و

۱-سوره مؤمن، آیه ۲۸.

۲-سوره آل عمران، آیه ۲۸.

مال و عرض انسان در برابر دشمنان متعصب و لجوج به خطر می افتد، بی آن که نتیجه ای داشته باشد، در چنین مواردی نباید بیهوده افراد را به خطر انداخت و نیروها را از دست داد؛ بلکه باید آن را برای مواقع لزوم حفظ کرد، به همین دلیل در حدیث معروف امام صادق (ع) می خوانیم:

«التَّقِيَةُ ثُرْسُ الْمُؤْمِنِ؛ تَقِيَهُ سِبْرٌ دَفَاعِيٌّ مُؤْمِنٌ اسْت.»<sup>(۱)</sup>

تعبیر به «ثُرْس» (سپر) تعبیر لطیفی است که نشان می دهد تَقِيَهُ یک وسیله دفاعی در مقابل دشمنان است.

داستان تَقِيَهُ کردن «عمار یاسر» در برابر مشرکان و صحه نهادن بر آن از سوی پیامبر اسلام (ص) معروف است.<sup>(۲)</sup>

استتار سربازان و سلاحها در میدانهای جنگ، مخفی نگهداشتن اسرار جنگی و غیر آن از دشمنان و امثال اینها، همه نوعی تَقِيَهُ در زندگی انسانها محسوب می شود؛ و در مجموع، تَقِيَهُ یعنی «کتمان» در جایی که اظهار کردن موجب خطر و ضرری است بی آن که فایده ای در بر داشته باشد. این یک حکم عقلی و شرعی است که نه تنها شیعه بلکه همه مسلمین جهان بلکه همه عقلای عالم، در موارد لزوم به آن عمل می کنند. با این حال شگفت آور است که بعضی اعتقاد به تَقِيَهُ را مخصوص شیعه و پیروان مکتب اهل بیت دانسته و آن را به صورت یکی از ایرادهای عمده بر آنها در آورده اند، در حالی که مسأله روشنی است، هم ریشه در

۱- وسائل، جلد ۱۱، صفحه ۴۶۱، حدیث ۶، باب ۲۴. در بعضی از احادیث تعبیر «ثُرْسُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ؛ سپر الهی در زمین» شده است.

۲- این حدیث را بسیاری از مفسران و مورخان و ارباب حدیث، در کتابهای معروف خود آورده اند از جمله واحدی در اسباب النزول، طبری، قرطبی، زمخشری، فخر رازی، بیضاوی و نیشابوری هر کدام در تفسیر خود (ذیل آیه ۱۰۶ نحل) آورده اند.

قرآن مجید دارد و هم در احادیث اسلامی و سیره یاران پیامبر (ص) و هم برنامه های تمام عقلاى جهان .



### ۶۷- در کجا تقیه حرام است

ما معتقدیم : دلیل اصلی این سوء تفاهمها عدم آگاهی کافی از عقاید شیعه و یا گرفتن عقاید آنها از دشمنان آنهاست ، و تصور می کنیم با توضیحی که در بالا آمد مسأله کاملاً روشن شده باشد .

البته نمی توان انکار کرد که در بعضی از موارد تقیه کردن حرام است و آن در جایی است که اساس دین و اسلام و قرآن ، یا نظامهای اسلامی به خطر بیفتد ، در چنین مواردی باید عقاید را اظهار نمود هر چند انسان قربانی اظهار عقیده اش شود ، و معتقدیم قیام امام حسین (ع) در عاشورا و کربلا ، درست در راستای همین هدف بود ، چرا که حکام بنی امیه اساس اسلام را به خطر افکنده بودند ، و قیام امام حسین (ع) پرده از کار آنها برداشت ، و جلو خطر را گرفت .



### ۶۸- عبادات اسلامی

ما به تمام عباداتی که قرآن و سنت بر آن تأکید نهاده است ، معتقد و پایبندیم ، مانند نمازهای پنجگانه روزانه که مهمترین رابطه خلق با خالق است ، و روزه ماه مبارك رمضان که بهترین وسیله برای تقویت ایمان و تزکیه نفس و تقوی ، و مبارزه با هوی پرستی است .

ما حاج خانه خدا را که وسیله مؤثری برای تقوا و تحکیم علقه های

مودت و سبب عزت مسلمین است یک بار در عمر برای افراد مستطیع واجب می دانیم و زکات مال و خمس و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد در برابر مهاجمین به اسلام و مسلمین را نیز از واجبات مسلم می شمیریم.

هر چند در جزئیات این امور، تفاوت‌هایی میان ما و بعضی دیگر از فرق مسلمین وجود دارد همان گونه که مذاهب چهارگانه اهل سنت نیز در احکام عبادات و غیر آن تفاوت‌هایی با هم دارند.

\*\*\*

#### ۶۹- جمع میان نمازها

از جمله این که ما معتقدیم: جمع میان نمازهای ظهر و عصر یا نماز مغرب و عشا در یک وقت مانعی ندارد (هر چند جدا خواندن آنها را افضل و بهتر می دانیم) و معتقدیم اجازه جمع از سوی پیامبر (ص) برای ملاحظه حال اشخاصی که در زحمتند داده شده است.

در صحیح «ترمذی» از ابن عباس چنین نقل شده: «جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَبَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ بِالْمَدِينَةِ مِنْ غَيْرِ خَوْفٍ وَلَا مَطَرٍ، قَالَ فَقِيلَ لِابْنِ عَبَّاسٍ مَا أَرَادَ بِذَلِكَ؟ قَالَ أَرَادَ أَنْ لَا يُخْرِجَ أُمَّتَهُ؛ پیغمبر اکرم (ص) در شهر مدینه بین نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا جمع کرد در حالی که نه ترسی بود و نه بارانی، از ابن عباس پرسیدند: منظور حضرت از این کار چه بود؟ گفت: برای این بود که امت خود را به زحمت نیفکند (یعنی در مواردی که جدا ساختن موجب زحمتی

شود، از این ترخیص استفاده کنند»<sup>(۱)</sup>.

مخصوصاً در عصر و زمان ما که زندگی اجتماعی به ویژه در کارخانه ها و مراکز فعال صنعتی شکل پیچیده ای به خود گرفته و مقید بودن به پنج وقت جداگانه نماز سبب شده که بعضی نماز را بکلی ترك کنند، استفاده از این ترخیص که پیامبر (ص) فرموده می تواند سبب پایداری بیشتر در امر نماز شود - دقت کنید.

\*\*\*

#### ۷۰- سجده بر خاک

ما معتقدیم: به هنگام سجده نماز، باید بر خاک یا سایر اجزای زمین سجده کرد یا بر چیزهایی که از زمین می روید، مانند برگ و چوب درختان و تمام گیاهان (به استثنای آنچه خوردنی یا پوشیدنی است).

بنابراین سجده کردن بر فرش را مجاز نمی دانیم، مخصوصاً خاک را بر همه چیز جهت سجده کردن ترجیح می دهیم، لذا برای آسان شدن کار، بسیاری از شیعیان قطعه ای از خاک تمیز را که قالب گیری شده با خود همراه دارند که نام آن را مهر می نهند و بر آن سجده می کنند که هم پاک است و هم خاک.

مستند ما در این امر حدیث معروف پیامبر (ص) «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِداً وَطَهُوراً» است، ما «مسجد» را در این حدیث به معنی «محل سجده» می دانیم.

۱- سنن ترمذی، جلد ۱، صفحه ۳۵۴، باب ۱۳۸ - سنن بیهقی، جلد ۳، صفحه ۱۶۷.

این حدیث در غالب کتب صحاح و غیر آن نقل شده است.<sup>(۱)</sup> ممکن است گفته شود منظور از «مسجد» در این حدیث «محل سجده» نیست، بلکه جایگاه نماز، در مقابل کسانی که نماز را فقط در محلّ معینی می خواندند، ولی با توجه به این که سخن از «طهور» یعنی «خاک تیمّم» در این جا به میان آمده روشن می شود که منظور از آن «محل سجده» است، یعنی خاک زمین هم «طهور» است و هم «محل سجده». بعلاوه احادیث زیادی نیز از ائمه اهل بیت - علیهم السلام - به ما رسیده که محل سجده را خاک و سنگ و مانند آن معرفی می کند.

\*\*\*

### ۷۱- زیارت قبور پیامبران و امامان

ما معتقدیم: زیارت قبر پیامبر اکرم (ص) و امامان اهل بیت - علیهم السلام - و بزرگان از علما و دانشمندان و شهدای راه خدا از مستحبات مؤکد است.

در کتب علمای اهل سنت، روایات بی شماری درباره زیارت قبر پیامبر (ص) نقل شده، همان گونه که در کتب علمای شیعه نیز این معنی آمده است، و هر گاه این روایات جمع آوری شود، کتاب مستقلی را تشکیل می دهد.<sup>(۲)</sup>

۱- از جمله «بخاری» در صحیح خود از «جابر بن عبدالله انصاری» در باب التیمّم (جلد ۱، صفحه ۹۱) و همچنین نسائی در صحیح خود نیز از «جابر بن عبدالله» در باب التیمّم بالصعید ذکر کرده، در مسند احمد از ابن عباس نیز نقل شده است (جلد اول، صفحه ۳۰۱) و در منابع شیعه نیز از طرق مختلف از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است.  
۲- برای آگاهی از این روایات و همچنین کلمات بزرگان و حالات آنها در زمینه «زیارت» به کتاب الغدیر، جلد ۵، صفحه ۹۳ تا ۲۰۷ مراجعه شود.

در تمام طول تاریخ علمای بزرگ اسلام و تمام قشرهای مردم، به این کار اهمیت می دادند، و کتابها پر است از شرح حالات کسانی که به زیارت قبر پیامبر (ص) یا سایر قبور بزرگان می رفتند<sup>(۱)</sup> و در مجموع می توان گفت این مسأله از مسائل مورد اتفاق و اجماع همه مسلمین است.

بدیهی است هیچ کس «زیارت» را با «عبادت» نباید اشتباه کند، عبادت و پرستش مخصوص خداست، و منظور از زیارت احترام و بزرگداشت بزرگان اسلام و طلب شفاعت از آنها در پیشگاه خدا می باشد، حتی در روایات آمده که شخص پیامبر (ص) گاه به زیارت اهل قبور می رفت و در بقیع می آمد و بر آنها سلام و درود می فرستاد.<sup>(۲)</sup> بنابراین هیچ کس نباید و نمی تواند در مشروعیت این کار از نظر فقه اسلام تردیدی به خود راه بدهد.



## ۷۲- مراسم سوگواری و فلسفه آن

ما معتقدیم: مسأله سوگواری و عزاداری برای شهدای اسلام مخصوصاً شهدای کربلا، سبب زنده ماندن یاد آنها و خاطره فداکاریهای آنان در راه بقای اسلام است، به همین دلیل در مقاطع مختلفی مخصوصاً ایام عاشورا (ده روز آغاز محرم) که مصادف است با شهادت

۱- برای آگاهی از این روایات و همچنین از کلمات بزرگان و حالات آنها در زمینه «زیارت» به مدرک سابق مراجعه شود.

۲- این روایات را در صحیح مسلم و ابوداود و نسایی و مسند احمد و صحیح ترمذی و سنن بیهقی می توان مطالعه کرد.

حسین بن علی (ع) سیّد جوانان اهل بهشت<sup>(۱)</sup> فرزند امیرمؤمنان علی (ع) و فاطمه زهرا (س) دخت گرامی پیامبر اسلام (ص)، مراسم عزاداری را بر پا می‌داریم، تاریخ زندگی آنها و رشادتهایشان را تحلیل می‌کنیم و از اهداف آنها سخن می‌گوییم و بر ارواح پاک آنان درود می‌فرستیم.

ما معتقدیم: که بنی امیه، حکومت خطرناکی را تشکیل داده بودند، بسیاری از سنن پیامبر اسلام (ص) را تغییر داده و کمر بر محور ارزشهای اسلامی بسته بودند.

حسین بن علی (ع) در سال ۶۱ هجری بر ضدّ یزید که مردی بسیار آلوده به گناه و سبکسر و بیگانه از اسلام بود، و متأسفانه بر کرسی خلافت اسلامی تکیه زده بود، قیام کرد، هرچند او و تمام یارانش در عراق در سرزمین کربلا شهید شدند و زنان خانواده اش اسیر گشتند، ولی خون آنها هیچجان عجیبی در تمام مسلمانان آن زمان به وجود آورد، قیامها یکی بعد از دیگری بر ضدّ بنی امیه آغاز شد و ضربات کوبنده بر پایه های کاخ ظلم و بیدادگری آنان وارد آمد، و سرانجام طومار زندگی کثیفشان پیچیده شد، و جالب این که تمام قیامهایی که بعد از واقعه عاشورا بر ضدّ حکومت بنی امیه صورت گرفت تحت عنوان الرضا لآل محمد و یا لثارات الحسین بود، و بعضی از این شعارها حتی در دوران حکومتهای خودکامه بنی عباس نیز ادامه

۱- حدیث الحسن و الحسين سیّد شباب اهل الجنة؛ حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشتند؛ در صحیح ترمذی از ابوسعید خدری و حذیفه (جلد ۲، صفحه ۳۰۶ و ۳۰۷) و صحیح ابن ماجه در باب فضائل اصحاب رسول الله و در مستدرک الصحیحین و حلیه الاولیاء و تاریخ بغداد و اصابه ابن حجر، و کنز العمال و ذخائر العقبی و بسیاری از کتب دیگر نقل شده است.



داشت. (۱)

مسأله قیام خونین امام حسین (ع) امروز برای ما شیعیان به صورت یک الگو و برنامه جهت مقاومت در برابر هر گونه استبداد و زورگویی و ظلم و ستم درآمده و شعارهای «هَيْهَاتَ مِنَّا الذُّلَّةُ؛ ما هرگز تن به ذلت نمی دهیم»، «وَإِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجَهَادٌ؛ حقیقت زندگی ایمان و جهاد است» که برگرفته از تاریخ خونبار کربلاست همیشه به ما کمک کرده است که در مقابل حکومت‌های ظالم بایستیم و با اقتدا به سالار شهیدان حسین و یارانش، شرّ ظالمان را برطرف سازیم (در انقلاب جمهوری اسلامی ایران نیز همه جا این شعارها به چشم می خورد).

کوتاه سخن این که: بزرگداشت خاطره شهیدای اسلام، مخصوصاً شهیدان کربلا، روح حماسه و ایثار و شهادت و جانبازی در راه عقیده و ایمان را همواره در ما زنده می دارد، و به ما درسهای مهمی برای سر بلند زیستن و تن به ظلم ندادن می دهد، این است فلسفه زنده نگهداشتن این خاطره‌ها و تجدید مراسم عزاداری در هر سال.

۱- ابو مسلم خراسانی که ریشه حکومت بنی امیه را قطع کرد، برای جلب عواطف توده‌های مسلمان از شعار الرضا لآل محمد کمک می گرفت (کامل ابن اثیر، جلد ۵، صفحه ۳۷۲).

قیام توأبین نیز با شعار یا لثارات الحسین صورت گرفت (کامل ابن اثیر، جلد ۴، صفحه ۱۷۵).

قیام مختار بن ابی عبیده ثقفی نیز با همین شعار بود (کامل، جلد ۴، صفحه ۲۸۸).  
می دانیم از جمله گروههایی که بر ضد بنی عباس قیام کردند، حسین بن علی صاحب فسخ بود، او هدف خود را در یک جمله خلاصه می کرد: «وَأَدْعُوكُمْ إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ؛ من شما را دعوت به جلب خشنودی آل محمد (ص) می کنم» (مقاتل الطالبین، صفحه ۲۹۹- تاریخ طبری، جلد ۸، صفحه ۱۹۴).

ممکن است کسانی ندانند که ما در مراسم سوگواری چه می‌کنیم و آن را مربوط به یک واقعه تاریخی تصور کنند که مدت‌هاست گرد و غبار فراموشی بر آن نشسته، ولی ما خود می‌دانیم که زنده نگهداشتن این خاطره‌ها چه تأثیری در تاریخ دیروز و امروز و فردای ما داشته و دارد.

مراسم سوگواری پیامبر اسلام (ص) و مسلمین بر «حمزه (سیدالشهدا)» بعد از غزوه «احد» در همه تواریخ معروف آمده است که رسول خدا (ص) از کنار یکی از خانه‌های انصار عبور می‌کرد، صدای گریه و نوحه‌گری شنید، چشمان پیامبر (ص) گریان شد و اشک از صورت مبارکش جاری گشت و فرمود: ولی «حمزه» عزادار ندارد، «سعدبن معاذ» این سخن را شنید و به سراغ گروهی از طایفه «بنی عبدالآشهل» رفت، و به زنان آنها دستور داد که به خانه حمزه عموی پیامبر (ص) بروند و برای حمزه سیدالشهدا سوگواری کنند.<sup>(۱)</sup>

بدیهی است این کار مخصوص حمزه نبود، بلکه برنامه‌ای است که برای همه شهیدان باید انجام شود، و خاطره آنها را برای نسلهای امروز و فردا زنده نگهداریم، و از این راه پیوسته خون تازه‌ای در عروق مسلمین جاری سازیم. تصادفاً هم اکنون که این سطور را می‌نویسیم روز عاشورا (دهم محرم الحرام) سال ۱۴۱۷ هجری قمری است؛ به راستی شور عظیمی سراسر جهان تشییع را فرا گرفته است. جوانان و نوجوانان و بزرگسالان همه لباس سیاه پوشیده، یکپارچه در مراسم سوگواری امام حسین (ع) و شهدای کربلا شرکت کرده‌اند؛ چنان تحولی در فکر و جان همه نمایان است که اگر از آنها برای مبارزه با

۱- کامل ابن اثیر، جلد ۲، صفحه ۱۶۳ - سیره ابن هشام، جلد سوم، صفحه ۱۰۴.

دشمنان اسلام دعوت شود همه اسلحه به دست گرفته وارد میدان می شوند، از هر گونه ایثار و فداکاری ابا ندارند، گویی خون شهادت در عروق همه جاری شده و در همین لحظه و همین ساعت حسین و یارانش را در کربلا در میدان جانبازی در راه اسلام در برابر خود می بینند. اشعار پر حماسه ای که در این مراسم عظیم خوانده می شود پر است از شعارهای کوبنده بر ضد استعمار و استکبار و تسلیم ظلم و ستم نشدن و مرگ افتخار آمیز را بر زندگی ذلت بار ترجیح دادن.

ما معتقدیم: این یک سرمایه عظیم معنوی است که باید آن را حفظ کرد و از آن برای زنده نگهداشتن اسلام و ایمان و تقوا بهره گرفت.



### ۷۳- ازدواج موقت

ما معتقدیم: ازدواج موقت امر مشروعی است که در فقه اسلامی به عنوان «متعّه» معروف شده است، به این ترتیب ازدواج، دو گونه است، ازدواج دائم که وقت و زمان آن نامحدود است و ازدواج موقت که مدت آن با توافق طرفین تعیین می گردد.

این ازدواج با ازدواج دائم در بسیاری از مسائل شباهت دارد از جمله مسأله مهریه، خالی بودن زن از هر گونه مانع، و احکام مربوط به فرزندان که از این ازدواج متولد می شوند که با فرزندان ازدواج دائم هیچ تفاوتی ندارد، نگهداشتن عده بعد از جدایی، اینها همه نزد ما جزء مسلمات است، به تعبیر دیگر عقد موقت (متعّه) یک نوع ازدواج است با تمام ویژگیهایش.

البته تفاوت‌هایی میان عقد موقت و دائم وجود دارد از جمله این که در عقد موقت نفقه زن بر شوهر واجب نیست، و دو همسر از همدیگر ارث نمی‌برند (ولی فرزندان آنها از پدر و مادر و یکدیگر ارث می‌برند).

به هر حال ما این حکم را از قرآن مجید گرفته ایم که می‌فرماید: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً؛ زنانی را که متعه می‌کنید، مهر آنها را باید پردازید».<sup>(۱)</sup>

بسیاری از محدثان معروف و مفسران بزرگ، تصریح کرده‌اند که این آیه درباره عقد موقت است.

در تفسیر طبری روایات زیادی در ذیل این آیه نقل شده که نشان می‌دهد آیه فوق مربوط به ازدواج موقت است و گروه کثیری از صحابه پیامبر (ص) به آن شهادت داده‌اند.<sup>(۲)</sup>

در تفسیر «الدر المنثور»، و «سنن بیهقی» نیز روایات در این زمینه فراوان است.<sup>(۳)</sup>

در «صحیح بخاری» و «مسند احمد» و «صحیح مسلم» و کتب فراوان دیگر نیز روایاتی که دلیل بر وجود عقد موقت در عصر پیامبر اکرم (ص) است دیده می‌شود، هر چند روایات مخالف آن نیز وجود دارد.<sup>(۴)</sup>

جمعی از فقهای اهل سنت معتقدند که نکاح متعه در عصر پیامبر (ص) بوده سپس این حکم نسخ شده است، در حالی که جمعی

۱-سوره نساء، آیه ۲۴.

۲-تفسیر طبری، جلد ۵، صفحه ۹.

۳-الدر المنثور، جلد ۲، صفحه ۱۴۰ - سنن بیهقی، جلد ۷، صفحه ۲۰۶.

۴-مسند احمد، جلد ۴، صفحه ۴۳۶ - صحیح بخاری، جلد ۷، صفحه ۱۶ و صحیح

مسلم، جلد ۲، صفحه ۱۰۲۲ تحت عنوان «باب نکاح المتعه» آمده است.

می گویند این حکم تا آخر عمر پیامبر (ص) بوده و «عمر» آن را نسخ کرده است، حدیث «مُتَعَتَانِ كَانَتَا عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَنَا مُحَرَّمُهُمَا وَ مُعَاقِبَ عَلَيْهِمَا: مُتَعَةُ النِّسَاءِ وَ مُتَعَةُ الْحَجِّ؛ دو متعه در عصر پیامبر (ص) وجود داشت و من آنها را تحریم کردم و بر آنها مجازات می کنم! متعه زنان و متعه حج (که نوع خاصی از حج است)» گواه این معنی است.<sup>(۱)</sup>

شک نیست که در این حکم اسلامی در میان روای اهل سنت مانند بسیاری از احکام دیگر اختلاف نظر است، بعضی معتقد به نسخ آن در زمان پیامبر (ص) و بعضی به نسخ آن در زمان خلیفه دوم و گروه اندکی بکلی آن را انکار می کنند، و این گونه اختلافات در مسائل فقهی وجود دارد، ولی فقهای شیعه در مشروعیت آن اتفاق نظر دارند و می گویند در عصر پیامبر (ص) نسخ نشده و بعد از رحلت آن حضرت نسخ آن غیر ممکن است.

به هر حال ما معتقدیم: ازدواج موقت اگر مورد سوء استفاده واقع نشود، پاسخگوی قسمتی از ضرورت‌های اجتماعی در مورد جوانانی است که قادر به ازدواج دائم نیستند، یا مسافرانی که به خاطر کارهای تجاری و اقتصادی، یا تحصیلی یا جهات دیگر مدتی از خانواده خود دور می مانند و مواردی دیگر از این قبیل و مبارزه با ازدواج موقت راه را

۱- این حدیث به همین عبارت یا عباراتی شبیه آن از نظر محتوا در سنن بیهقی، جلد ۷، صفحه ۲۰۶ و بسیاری از کتب دیگر آمده است، نویسنده الغدیر، بیست و پنج حدیث از کتب صحاح و مسندها نقل می کند که «متعه» در شرع اسلام، حلال و در عصر پیامبر (ص) و خلیفه اول و مقداری از زمان عمر معمول بوده، سپس او در اواخر عمرش از آن نهی کرد (الغدیر، جلد ۳، صفحه ۳۳۲).

برای توسعه فحشا در میان این گروهها باز می کند، مخصوصاً در عصر و زمان ما که سن ازدواج دائمی به علل مختلفی بالا رفته و از سوی دیگر عوامل تحریک کننده شهوات، بسیار فراوان است. اگر این راه بسته شود، راه برای فحشا به یقین گشوده خواهد شد.

بار دیگر تکرار می کنیم که ما با هر گونه سوء استفاده از این حکم اسلامی، و آن را بازیچه دست هوسبازان قرار دادن، و زنان را به آلودگی کشاندن، شدیداً مخالفیم، ولی سوء استفاده بعضی هوسبازان از قانون نباید موجب جلوگیری از اصل قانون شود، بلکه باید از سوء استفاده جلوگیری گردد.



#### ۷۴- تاریخچه تشیع

ما معتقدیم: مبدأ پیدایش تشیع، عصر پیامبر (ص) و سخنان آن حضرت بوده است و اسناد روشنی برای این مطلب در دست داریم: از جمله بسیاری از مفسران در تفسیر آیه شریفه: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ؛ کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند بهترین مخلوقات (خدا) هستند.»<sup>(۱)</sup> این حدیث را از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده اند که فرمود: «منظور از این آیه، علی (ع) و شیعیان اوست».

از جمله مفسر معروف «سیوطی» در «الدّرالمشور» از «ابن عساکر» از جابر بن عبدالله نقل می کند که ما خدمت پیامبر (ص) بودیم که علی (ع)

به سوی ما آمد هنگامی که چشم پیامبر (ص) به او افتاد فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ هَذَا وَشِيعَتَهُ لَهُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ سوگند به کسی که جانم به دست اوست او و شیعیانش رستگاران در روز قیامتند» سپس آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» نازل شد و بعد از آن، هنگامی که علی (ع) به مجلس اصحاب پیامبر (ص) می آمد آنها می گفتند: «جَاءَ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ؛ بهترین مخلوقات خدا آمد!»<sup>(۱)</sup>

همین معنی را «ابن عباس» و «ابوبرزه» و «ابن مردویه» و «عطیة عوفی» (با تفاوت‌های مختصری) نقل کرده اند.<sup>(۲)</sup>

به این ترتیب می بینیم که انتخاب نام «شیعه» برای کسانی که ارتباط با علی (ع) داشتند، در همان عصر پیامبر (ص) صورت گرفته، و این نام را پیامبر (ص) به آنها داده است نه این که در عصر خلفا و یا در زمان صفویه یا غیر آن پیدا شده باشد.

ما در عین این که به فرق اسلامی دیگر احترام می گذاریم و با آنها در یک صف جماعت نماز می خوانیم، و در زمان و مکان واحدی حجّ بجا می آوریم و در اهداف مشترك اسلام همکاری می کنیم، معتقدیم پیروان مکتب علی (ع) دارای ویژگی‌هایی هستند، و مورد توجه و عنایت خاصّ پیامبر (ص) بوده اند، به همین دلیل ما پیروی از این مکتب را برگزیده ایم.

گروهی از مخالفان شیعه اصرار دارند که رابطه ای میان این مذهب و «عبدالله بن سبا» برقرار کنند، و پیوسته این سخن را تکرار می کنند که

۱- الدر المنثور، جلد ۶، صفحه ۳۷۹.

۲- برای آگاهی بیشتر به پیام قرآن، جلد ۹، صفحه ۲۵۹ به بعد مراجعه فرماید.

شیعیان، پیرو عبدالله بن سبا هستند که در اصل یهودی بوده، و سپس اسلام را اختیار کرده! این سخن بسیار عجیب است، زیرا بررسی تمام کتب شیعه نشان می‌دهد که پیروان این مکتب کمترین علاقه‌ای به این مرد ندارند، بلکه در تمام کتب رجال شیعه «عبدالله بن سبا» به عنوان مردی گمراه و منحرف معرفی شده و طبق بعضی از روایات ما، علی (ع) فرمان قتل او را به خاطر مرتد بودنش صادر کرده است.<sup>(۱)</sup>

از این گذشته اصل وجود تاریخی عبدالله بن سبا زیر سؤال است و بعضی از محققان معتقدند او یک فرد افسانه‌ای است و وجود خارجی نداشته است تا چه رسد به این که بنیانگذار مذهب شیعه باشد<sup>(۲)</sup> و به فرض که او را یک مرد افسانه‌ای ندانیم از نظر ما فرد گمراه و منحرفی بوده است.



## ۷۵- جغرافیای مذهب شیعه

این نکته حائز اهمیت است که مرکز شیعیان همیشه کشور ایران نبوده است، بلکه در همان قرون نخستین اسلام مراکز متعددی داشتند از جمله «کوفه»، «یمن» و حتی خود «مدینه»، و در شام علی رغم تبلیغات زهرآگین «بنی امیه» نیز، مراکز متعددی برای شیعیان وجود داشت، هر چند به وسعت مراکز شیعه در «عراق» نمی‌رسید.

۱- «تنقیح المقال فی علم الرجال» در ماده «عبدالله بن سبا» و سایر کتب مشهور و معروف رجال شیعه.

۲- کتاب عبدالله بن سبا، نوشته علامه عسکری.



در سرزمین پهناور مصر نیز همیشه گروه‌هایی از شیعه می‌زیسته‌اند حتی در عصر خلفای فاطمی حکومت مصر به دست مردانی از شیعه بوده است.<sup>(۱)</sup>

هم اکنون در کشورهای مختلف جهان گروه‌هایی از مسلمانان شیعه وجود دارند از جمله در کشور سعودی، جمعیت زیادی از شیعیان در «منطقه شرقیه» زندگی می‌کنند، و روابط خوبی با سایر فرق اسلامی دارند، هر چند دشمنان اسلام همیشه سعی داشته و دارند که میان مسلمانان شیعه و غیر آنها بذر عداوت و دشمنی و سوء ظن و بدبینی پاشند و آتش نزاع و اختلاف و جنگ را در میان آنها روشن کنند و هر دو گروه را تضعیف نمایند.

مخصوصاً امروز که «اسلام» به عنوان یک قدرت عظیم جهانی در

---

۱- هنگامی که شیعیان شام در زمان بنی امیه دچار فشارهای هولناک شدند، و در زمان عباسیان نیز آسوده نبودند، تا آنجا که بسیاری از آنها در زندانهای بنی امیه و بنی عباس جان سپردند، گروهی راه مشرق را پیش گرفتند و جمعی راه مغرب را، از جمله «ادریس بن عبدالله بن حسن» به طرف «مصر» رفت، سپس از آنجا به «مراکش» (مغرب) عزیمت نمود و به کمک شیعیان مراکش، حکومتی به نام «ادریسیان» تشکیل داد که از اواخر قرن دوم تا اواخر قرن چهارم هجری ادامه یافت و دولت دیگری از شیعیان در مصر تشکیل شد. اینها که خود را از فرزندان امام حسین (ع) و از فرزندان فاطمه (س) دختر پیامبر (ص) می‌دانستند و با آمادگی که در مردم مصر برای تشکیل حکومت شیعی یافتند دست به این کار زدند و از قرن چهارم هجری رسماً این حکومت تشکیل شد و شهر قاهره را آنها بنا کردند، خلفای فاطمی مجموعاً چهارده نفر بودند که ده تن از آنها مرکز حکومتشان مصر بود، و حدود سه قرن در مصر و سایر نقاط آفریقا حکومت داشتند، و مسجد جامع الازهر و دانشگاه الازهر نیز به وسیله آنها ساخته شد، و نام فاطمیان از نام فاطمه زهرا (س) مشتق شده است (دائرة المعارف دهخدا، دائرة المعارف فرید و جدی، والمنجد فی الاعلام، واژه «فطم» و «زهر»).

برابر شرق و غرب مادی، قد برافراشته، و مردم جهان را که از تمدنهای مادی سرخورده و مأیوس شده اند به سوی خود فرا می خواند، یکی از مهمترین امید دشمنان اسلام برای درهم شکستن قدرت مسلمین و سست کردن آهنگ پیشرفت اسلام در جهان به این است که به آتش اختلاف مذهبی دامن زنند و مسلمانان را به هم مشغول دارند، بی شک اگر پیروان تمام مذاهب اسلامی، بیدار و هوشیار باشند، می توانند این توطئه خطرناک را از بین ببرند.

گفتنی است که «شیعه» مانند «اهل سنت» فرقه های متعددی دارند، ولی مشهورتر و معروفتر از همه، شیعه اثنی عشری است که رقم عمده شیعیان جهان را تشکیل می دهد.

گرچه تعداد دقیق شیعیان و نسبت آنها به سایر مسلمین جهان روشن نیست، ولی مطابق بعضی از آمارها، عدد آنها حدود دویست تا سیصد میلیون نفر است که تقریباً یک چهارم مسلمانان جهان را تشکیل می دهد.



### ۷۶- میراث اهل بیت (علیهم السلام)

پیروان این مکتب روایات زیادی از رسول خدا (ص) از طریق ائمه اهل بیت - علیهم السلام - نقل کرده اند، و روایات زیاد دیگری از علی (ع) و سایر امامان - علیهم السلام - دارند که امروز از منابع اصلی معارف و فقه شیعه محسوب می گردد، از جمله کتابهای چهارگانه زیر که به کتب اربعه معروف شده است: «کافی»؛ «من لایحضره الفقیه»؛ «تهذیب» و «استبصار» را می توان نام برد. ولی تکرار این موضوع را ضروری

می دانیم که هر حدیثی در یکی از این منابع معروف یا سایر منابع معتبر وجود داشته باشد به این معنی نیست که آن حدیث به خصوص معتبر است، بلکه هر حدیثی سلسله سندی دارد که باید هر یک از رجال سند آن جداگانه در کتب رجال مورد بررسی قرار گیرد، هرگاه تمام رجال سند مورد اعتماد بودند، آن حدیث به عنوان یک حدیث صحیح پذیرفته می شود، در غیر این صورت، مشکوک یا ضعیف است و این کار تنها در خور آگاهان و علمای علم حدیث و رجال است.

از این جا به خوبی روشن می شود که وضع جمع آوری احادیث در کتب شیعه با منابع معروف اهل سنت متفاوت است چرا که در کتب معروف صحاح مخصوصاً صحیح بخاری و صحیح مسلم، مبنای نویسندگان این بوده است؛ که احادیثی را گردآوری کنند که نزد آنها صحیح و معتبر بوده است و به همین دلیل هر یک از آن احادیث می تواند، برای دستیابی به عقاید اهل سنت مورد استناد قرار گیرد<sup>(۱)</sup> در حالی که مبنای محدثان شیعه به این بوده که همه احادیث منسوب به اهل بیت - علیهم السلام - را جمع آوری کنند، و شناخت صحیح از غیر صحیح را به علم رجال واگذار کرده اند - دقت کنید.

\*\*\*

## ۷۷- دو کتاب بزرگ

از منابع مهمی که جزء میراثهای مهم شیعه محسوب می شود، نهج البلاغه است که مرحوم شریف رضی حدود یک هزار سال قبل از

۱- به مقدمه «صحیح مسلم» و «فتح الباری فی شرح صحیح البخاری» مراجعه شود.

کلمات علی (ع) در سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار تنظیم کرده است، و به قدری محتوای آن بالا و الفاظ زیباست که هر کس پیرو هر مکتب و آیینی باشد این کتاب را مطالعه کند، تحت تأثیر محتوای عالی آن قرار می‌گیرد، و ای کاش نه تنها مسلمانان که غیر مسلمانان نیز با آن آشنا می‌شدند، تا به معارف بلند اسلام در توحید و مبدأ و معاد و مسائل سیاسی و اخلاقی و اجتماعی آشنا شوند.

یکی دیگر از این میراث‌های بزرگ، کتاب صحیفه سجاده است که مجموعه‌ای است از بهترین و فصیحترین و زیباترین دعاها، با محتوای بسیار بلند و بالا و عمیق که در واقع کار همان خطبه‌های نهج البلاغه را از طریق دیگری می‌کند و جمله به جمله آن درس تازه‌ای به انسان می‌آموزد، و به راستی طرز نیایش و مناجات با خداوند را به هر انسانی می‌آموزد، و روح و جان آدمی را نور و صفا می‌بخشد.

این مجموعه چنان که از نامش پیداست از دعا‌های چهارمین پیشوای مکتب شیعه، امام علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، مشهور به «سجّاد» (ع) است و ما هر وقت بخواهیم روح دعا و نیایش و توجه بیشتر به درگاه خداوند و عشق به ذات پاکش در ما پیدا شود به سراغ این دعاها می‌رویم و همچون گیاهان نوری که از ابر پر برکت بهاری سیراب می‌شوند از آن سیراب می‌گردیم.

بیشترین احادیث شیعه که بالغ بر دهها هزار حدیث می‌شود از پنجمین و ششمین امام، یعنی محمد بن علی الباقر، و جعفر بن محمد الصادق - علیهما السلام - نقل شده، و قسمت مهمی نیز از هشتمین امام، علی بن موسی الرضا (ع) است، و این به خاطر آن

است که این سه بزرگوار در شرایطی از زمان و مکان بودند که فشار دشمنان و حکام بنی امیه و بنی عباس بر آنها کمتر بود، به همین دلیل توانستند احادیث زیادی که از رسول خدا (ص) به وسیله پدران و اجدادشان به آنها رسیده بود، در تمام ابواب معارف و احکام فقه اسلام از خود به یادگار بگذارند و این که مذهب شیعه را مذهب جعفری می گویند به خاطر همین است که بیشترین روایات آنها از امام ششم جعفر بن محمد الصادق (ع) نقل شده است که در دورانی می زیسته که بنی امیه رو به ضعف می رفتند و بنی عباس نیز قدرت کافی برای فشار بر مردم پیدا نکرده بودند، و در کتب ما معروف است که آن حضرت چهار هزار شاگرد در حدیث و معارف و فقه تربیت کرد.

ابوحنیفه امام و پیشوای معروف حنفیه در سخن کوتاهی در توصیف امام جعفر بن محمد الصادق (ع) می گوید: «ما رأیتُ أفقَه من جعفر بنِ مُحَمَّد؛ من فقیه تر از جعفر بن محمد (ع) ندیدم!»<sup>(۱)</sup>

مالک بن انس پیشوای دیگر فقه اهل سنت در یکی از سخنان خود چنین می گوید: «من مدتی نزد جعفر بن محمد (ع) رفت و آمد داشتم، او را همواره در یکی از سه حالت دیدم، یا نماز می خواند یا روزه می گرفت، یا مشغول تلاوت قرآن بود؛ و به اعتقاد من مردی با فضیلت تر از جعفر بن محمد الصادق از نظر علم و عبادت کسی ندیده و نشنیده است!»<sup>(۲)</sup> و چون بنا بر نهایت اختصار و فشردگی مطالب

۱- تذکره الحفاظ ذهبی، جلد ۱، صفحه ۱۶۶.

۲- تهذیب التهذیب، جلد ۲، صفحه ۱۰۴ (مطابق نقل اسد حیدر در کتاب الامام الصادق، جلد ۱، صفحه ۵۳).

است، از سخنان سایر علمای اسلام درباره امامان اهل بیت - علیهم السلام - چشم پوشی می کنیم.

\*\*\*

### ۷۸- نقش شیعه در علوم اسلامی

ما معتقدیم: شیعه، در پیدایش علوم اسلامی نقش مؤثری داشته است، بعضی معتقدند که علوم اسلامی از آنها نشأت گرفته، حتی کتاب یا کتابهایی در این زمینه نوشته شده و اسناد و مدارکی ارائه داده اند، ولی ما می گوئیم حداقل، آنها در پدید آوردن این علوم سهم بسزایی داشته اند، و بهترین شاهد و گواه این مسأله کتابهایی است که از علمای شیعه در علوم و فنون اسلام دیده می شود. هزاران کتاب در فقه و اصول، که بعضی بسیار گسترده و در نوع خود بی نظیر است، هزاران کتاب در تفسیر و علوم قرآنی، و هزاران کتاب در عقاید و علم کلام، و هزاران کتاب در علوم دیگر، بسیاری از این کتابها هم اکنون در کتابخانه های ما و کتابخانه های معروف دنیا موجود است و در معرض دید همگان قرار دارد و هر کس می تواند صدق این ادعا را با مراجعه به این کتابخانه ها بداند.

یکی از دانشمندان معروف شیعه این کتابها را فهرست کرده و در ۲۶ مجلد بزرگ فهرست آن را گردآوری کرده است.<sup>(۱)</sup>

۱- نام این کتاب *الدریعة الی تصانیف الشیعة* نوشته مفسر و محدث معروف، شیخ آقا بزرگ تهرانی است. تعداد کتابهایی که با نام و نشان و ذکر مؤلف، در این فهرست بزرگ آمده بالغ بر ۶۸ هزار جلد کتاب می باشد، این کتاب مدتی است چاپ و منتشر شده است.

این فهرست مربوط به دهها سال قبل است و در این چند دهه اخیر از یکسو تلاش زیادی برای احیای آثار علمای پیشین شیعه، و کشف کتب خطی و چاپ آنها صورت گرفته، و از سوی دیگر برای تصنیف و تألیف کتابهای جدید، که هنوز دقیقاً آمار آن را تهیه نکرده ایم ولی بطور مسلم، در هر رشته از علوم اسلام صدها یا هزاران کتاب جدید به رشته تحریر در آمده است.



۷۹- ما معتقدیم: صدق و راستی و امانت از ارکان مهم و اساسی اسلام است، قرآن مجید می گوید: «قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ؛ خداوند می فرماید امروز روزی است که صدق راستگویان به آنها نفع می بخشد.»<sup>(۱)</sup>

بلکه از بعضی از آیات قرآن استفاده می شود پاداش اصلی روز قیامت پاداشی است که در برابر صدق و راستی به انسان داده می شود (صدق و راستی در ایمان، در عمل به پیمانهای الهی، و در تمام شئون زندگی) (لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ).<sup>(۲)</sup>

و همان گونه که در گذشته نیز اشاره شد طبق دستور قرآن ما مسلمانان مأموریم که در تمام دوران زندگی همگام و همنشین معصومان و راستگویان باشیم (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ).<sup>(۳)</sup>

۱-سوره مائده، آیه ۱۱۹.

۲-سوره احزاب، آیه ۲۴.

۳-سوره توبه، آیه ۱۱۹.

اهمیت این موضوع تا آن پایه است که خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد از خدا بخواهد در هر کاری صادقانه وارد شود و صادقانه خارج گردد (وَقُلْ رَبِّ اَنْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ).<sup>(۱)</sup>

درست به همین دلیل در روایات اسلامی می‌خوانیم که هیچ پیامبری از سوی خدا مبعوث نشد مگر این که صدق و راستی و امانت در برنامه‌های اصلی او بوده (اِنَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا اِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَاَدَاءِ الْاَمَانَةِ اِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ).<sup>(۲)</sup>

ما نیز با الهام گرفتن از این آیات و روایات نهایت سعی و کوشش را به کار گرفتیم که در بحثهای این کتاب جز راه صدق و راستی نپوئیم و کلامی بر خلاف حق و امانت نگوییم و امیدواریم که به لطف پروردگار در ادای این رسالت توفیق یافته باشیم اِنَّهُ وَلِيُّ التَّوْفِيقِ.



## ۸۰- آخرین سخن

آنچه در این مجموعه آمده، فشرده‌ای است از عقاید پیروان مکتب اهل بیت - علیهم السلام - و شیعیان، در اصول و فروع اسلام که بدون کمترین تغییر و تحریف بیان شده، و به مدارك آن از آیات قرآن و روایات اسلامی و کتب مختلف دانشمندان اسلام اجمالاً اشاره شده است، هر چند ذکر همه مدارك به ملاحظه اختصار و فشرده بودن بحثها

۱-سوره اسراء، آیه ۸۰.

۲- این حدیث در بحار از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است (جلد ۶۸، صفحه ۲) و

همچنین در جلد ۲، صفحه ۱۰۴.



ممکن نبود؛ و ما غیر از بیان اجمالی و فشرده در این کتاب هدفی نداشتیم.

ما معتقدیم: این بحث نتایج زیر را در بر دارد:

۱- منبع خوبی است که در عین اختصار، عقاید شیعه را به روشنی و با نهایت دقت بیان می کند و همه فرق اسلامی و حتی غیرمسلمانان می توانند با مطالعه این جزوه کوچک، عقاید پیروان این مذهب را به طور اجمال و از دست اوّل در اختیار بگیرند و برای گردآوری آن زحمت زیادی کشیده شده است.

۲- ما معتقدیم: این جزوه می تواند اتمام حجّت الهی باشد، برای کسانی که گاهی ناآگاهانه درباره عقاید ما، داوری می کنند یا آن را از افراد مشکوک و مغرض، و یا کتابهای غیر معتبر می گیرند.

۳- ما معتقدیم: با ملاحظه عقاید بالا، روشن می شود که موارد تفاوت میان پیروان این مکتب و سایر فرق مسلمین چنان نیست که مانع از همکاری مشترك، میان پیروان این مذهب و سایر مذاهب اسلامی گردد، چرا که نقاط مشترك در میان همه مذاهب اسلامی بسیار فراوان است و دشمنان مشتركی نیز همه را تهدید می کنند.

۴- ما معتقدیم: دستهایی در کار است که با بزرگ کردن اختلافات میان مذاهب اسلامی، آتش نزاع و جنگ و خونریزی در میان آنان روشن کنند، و اسلام را که در عصر و زمان ما می رود مناطق عظیمی از جهان را زیر سایه پربرکت خود قرار دهد، و خلأهای ناشی از فرو ریختن کمونیسم و مشکلات روزافزون و لاینحل نظام مادی سرمایه داری را پر کند، به ضعف بکشاند یا پیشروی اسلام را در جهان متوقف سازد.

مسلمانان نباید به مخالفان امکان دهند که در این کار خود موفق

گردند، و فرصتهای بسیار پرارزشی که برای شناخت اسلام در جهان حاصل شده از دست برود.

۵- ما معتقدیم: اگر علمای مذاهب اسلامی، دور هم بنشینند و در محیطی آکنده از صفا و صمیمیت و دور از تعصب و لجاج، به بحث و بررسی در مسائل مورد اختلاف بپردازند، امکان کم شدن اختلافات بسیار زیاد است، نمی‌گوییم همه اختلافات برچیده می‌شود، بلکه می‌گوییم از دامنه آن کاسته می‌شود، همان گونه که در این اواخر در کشور ایران گروهی از علمای شیعه و اهل سنت در شهر زاهدان در جلسات متعددی با هم نشستند و به قسمتی از اختلافات پایان دادند که شرح آن در این مختصر نمی‌گنجد.<sup>(۱)</sup>

در پایان دست دعا به درگاه قادر متعال برداشته و عرض می‌کنیم:

«رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ».<sup>(۲)</sup>

## پایان

۱- شرح آن را می‌توانید در مجله پیام حوزه علمیه قم مطالعه فرمایید.

۲- سوره حشر، آیه ۱۰.